

نورالدین کیانوری

# یکسال دیگر از زندگی پرتلاطم و پرثمر حزب ما گذشت

امروز، ۱۰ مهرماه، مصادف است با سی و نهمین سالگرد پراختیار حزب توده ایران، در این رابطه مقاله «یکسال دیگر از زندگی پرتلاطم و پرثمر حزب ما گذشت» بقلم رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، نگاشته شده است که در صفحات ۲ و ۳ همین شماره می خوانید.



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۴۷  
پنجشنبه ۱۰ مهر ۱۳۵۹ هـ. ق. ۱۵ اردیبهشت

اعلامیه هیئت اجرایی شورای نویسندگان و هنرمندان ایران  
**نویسندگان و هنرمندان آزاده و میهن دوست - آماده دفاع از میهن، انقلاب و جمهوری اسلامی ایران**

به مناسبت ورود حزب توده ایران به چهلین سال حیات

## مهرگان

مهرگان من! مهرگان رسیده...  
گل اگر زیباغ و مشت رفت  
پر گل آتشی، بهین سرا رسید  
لالهها، چراغ لاله گشت  
در افق عطش ز روشنی کشید  
تا غیر زما به دور دستها برسد  
این پرستو که با ما برید  
مژده وصال دارد آن نسیم  
بشت این دریاچه، مگر وزید  
هود سوخت باید و سرود ساعت  
شمع روی عنوان نهاد و نیوه چید  
غصه را بران و دوست را برآر  
چشمت کن، نوا برآورد از امید  
پندها گشت، در دعا گشت  
اتحاد ما، نصرت آورد  
شب شکست و اهرمن گریخت  
آفتاب پخت باز بر میدید  
توده ستوده غامت از زمین  
هر صغرا سپاه، باعث بر سپید  
لعل بزم شامانه، مهرگان  
نیز گشته، بهر خلق رسته، عید  
سیاوش کسرالی  
۳۰ شهریور ۱۳۵۹

## جنگ ماعاد لانه است و پیر و زری با ما است

### انگلستان، فرانسه و ایتالیا به رژیم مزدور بعثی عراق برای جنگ با ایران اسلحه میدهند

۸ فروردین هواپیمای نظامی با محموله اسلحه از انگلستان به عراق رفت.  
بر اساس اطلاعات موثق دوستان ما در خارج از کشور، معاون صدام حسین، فرستار خود به اروپا رفته است موافقت امریالیست های انگلستان، فرانسه و ایتالیا برای دریافت اسلحه جلب کند.  
معاون صدام حسین در این سفر توالته است با فرانسه قرارداد بستند که میراث های ملت این کشور را سرعت تحویل بگردد. او در ایتالیا نیز توالته است قراردادهایی با مقامات ایتالیایی برای تحویل اسلحه به عراق منعقد کند. بر اساس همین قراردادها، معاون صدام حسین ۸ کشتی از ایتالیا دریافت کرده است.  
گفته شده اطلاعات دیده می شود که کشتی های کشتی گشته (مهر) ۸ فروردین هواپیمای نظامی با محموله نظامی از انگلستان به عراق رفته اند.

اسلامی ایران، امام خمینی، و زمامداران متحد و مسئول، بیدار و هوشیارند و در پس هزاران برده تسزور و ریا، جنگ و فتنان امپریالیست خونخوار آمریکا را می بینند و با قطعیت و روشنی سزاوار یک نظام برجوشیده از خلق و متکی به خلق و مدافع حیثیت و ناموس خلق، بر سینه تیغ امپریالیسم آمریکا و با دودمانی چون ظلمت لاله، که بناحق نام «ضیاعالحق» دارد، دست رد می گذارند.  
کشور ما تجاوزگر نبود است. برعکس، کشور ما مورد تجاوز قرار گرفته و قربانی تجاوز شده است.  
کشور ما از عراق ابعثی ارضی ندارد. برعکس، این عراق است که برای بیانه ترستی بنظنر تجاوز به خاک جمهوری اسلامی ما و با استناد بر سواقی پلیدی که استعمار انگلیس در عراق چه آن گذاشته، از کشور ما اذیت خاک دارد.

### آیا راست است که:

- عوامل مشکوک در بسیاری جمهوری اسلامی ایران دوسند تبه قلمی جعلی درباره افغانستان هستند، تا به تبلیغات امپریالیستی علیه افغانستان دامن بزنند.  
- این فیلم در مشهد در حال تهیه است و تهیه کننده آن فردی بنام ناصر صادقی، از اعضای کتبه مرکزی گروهک ماشویتی - ضدانقلابی در ایران است و وی برادر دکتر علی صادقی، از فرماندهان کتبه گروهک است.  
- در تهیه این فیلم از سندهای بسیار جنگ جهانی دوم، استفاده شده است.

جنگ میهنی خلق انقلابی ما علیه امپریالیسم آمریکا، که دست از استین صدام بجا نیکیار بیرون آمده، به اقبای روشن پرورزی نزدیک و نزدیکتر می شود. حایبای امپریالیسم آمریکا درباره درجه استحکام جمهوری اسلامی ایران و قدرت پایداری و پشتیبانی خلق رزمنده ایران و تلسب نیروها در منطقه جهان، بکلر غلط از آب در آمد. رژیم جمهوری اسلامی ایران، بر خلاف محاسبات مسیه و دوساره، که آنرا فتناسازی و دماغ می زنداشتند، با مصلحتی تحسین آمیز در عرصه نبرد اثبات توانایی کرد و روشنی خرد مردمی و وسعت ابتکار خود را نشان داد. صدام و اربابان آمریکائیش، که جنگ علیه ایران را پلنگ گریختی و مصلحت می سرزدند، در برخورد با مقاومت دلبرانه مردم و نیروهای مسلح این کشور، بهر شکست خوردند. در چنین حالی است که امپریالیسم و بکرانش یک مرتبه روند مصلحت خواری، بر چهره

## در جنگ تجار و حطی رژیم خاندان بعثی عراق علیه ما، خصوصاً علیه ما، بی وفور و بیستیان جمهوری اسلامی ایران

## مادرشرایط جنگ بسر میبریم. باید مقررات جنگی و اقتصاد زمان جنگ را دقیقاً مراعات کنیم

### اعلامیه کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران (پیرو کنگره چهارم): دفاع از انقلاب ایران اساسی ترین وظیفه ماست

کشتیدن در سربها و سربهای کوچک و خیابان است. همای از مردم جدی خلقی نمی کنند. بجای آنکه به زیر زمین خانه خود پناه ببرند، در طبقه سکونی خویش باقی میمانند و یا به خیابانها می آیند و با سیگارهای افروخته بر لب، به تماشای آسمان مشغول میشوند، گوش به تماشای آتش بازی ایستاده اند! بصراحت باید گفت که این مثل تماشای آسمان نیست، بلکه نتیجه جهل است. جهل نسبت به اسباب ایجاد سانه های که هر آن ممکن است وقوع یابد و این گونه سبب انگاریها، ایجاد فاجعه را گسترده تر میسازد.  
این واقعتی است که مردم کشور ما جنگ ندیده اند و جمهوری از موافق حیات هوایی ندارند ولی لاقط مبتوانند به توسعه و مقررات گوش فرادند و آنرا شوخی نهندارند. تا زمانی که تمامی مردم، تمامی خانواده ها منقبط نشاندند و موازین زمان بقیه در صفحه ۸

این طرز تلقی اشتباه آمیز از توصیه مسئولان پندناج متجز شده است که، بویژه در مناطق شمالی شهر تهران، برخی از منازل مردم های نه چندان ضعیف پنجره ها را می کشند و وسایل روشنایی غیر برقی را می افروزند که ابتکار نهایت بی سالی و خطری جدی برای خودشان و سایر شهروندان است. غالباً دیده شده است که مانیهای سواری و یا موتورسوارها در چنین لحظاتی به حرکت خود با چراغهای روشن در خیابانها ادامه میدهند. در حالیکه توصیه جدی شده است که وسایل نقلیه اگر در وضعیت قرمز در خیابانها هستند، باید بلافاصله چراغها را خاموش کنند، اتوبیله را در کنار خیابانها متوقف سازند و خود را به نزدیکترین پناهگاه مسکن برسانند.  
رفتن به پناهگاهها راهی که در شرایط گرمی کشور ما، فعلاً سبب زیر زمین خانه ها است، که امنیت جانی بیشتری را تأمین می کند، و در خارج از خانه، دراز-

این مقررات چیست؟ خاموشی مطلق، بنام بردن به زیر زمین منازل، همراه داشتن حداقل مایحتاج، آشنایی با کسکهای اولیه برای یکارگیری آن در صورت بروز سانحه، اطلاع از شماره تلفن های لازم، مانند تلفن کمیته امداد، کمیته محل، نزدیکترین داروخانه و بیمارستان و... رعایت این مقررات از سوی فرد فرد مسردم ضروری است و کترین سبب انگاری و تخلف ممکن است به فاجعه انجامد.  
متأسفانه باید گفت که با وجود تأکیدات مکرر مقامات مسئول، همه مردم درجه شهرها و همه مناطق شهر رعایت این مقررات را نمی کنند. در نظر بازه های خاموشی بسمای خاموش کردن برق و روشن کردن چراغ زنبوری چراغ نفتی و گشت است! در حالیکه کارا که شده است که، در چنین لحظاتی، حتی روشنایی یکسیگار هم در فضای باز ایجاد خطر می کند. زیرا میتواند برای هواپیمای جنگی دشمن علامت باشد.

بیش از یک هفته از تجاوز رژیم مزدور بعثی عراق به میهن ما میگذرد. در مناطق جنوبی و غرب کشور جنگ خونینی در ایجاد گسترده وجود دارد. دامنه جنگ تجاوز کارانه بعثی های عراق، بملت مقاومت قهرمانانه ارتش، سپاه پندداران و مردم هنوز جلورجیدی به سایر مناطق کشور و از جمله به تهران ننگیده است. ولی آنجا که احتمال دامن کشیدن جنگ وجود دارد، صدا و سیما و جمهوری اسلامی ایران از یک هفته پیش بطور پیگیر از مسردم خواسته است که مقررات جنگی را رعایت کنند و به اعلامیه ها و توصیه ها دقیقاً گوش فرادند و سناد آنرا بکار بندند.  
تاکنون چندین بار در شب و روز، وضعیت قرمز اعلام شده، یعنی وضعی که خطر حمله هوایی جدی است و مردم وظیفه دارند دقیقاً مقررات موصومه برای این لحظاتی را رعایت کنند، و اگر نه چه بسا که زندگی خود و منطقه خود را بخطر خواهد انداخت.

اعلامیه هیئت اجراییه شورای نویسندگان و هنرمندان ایران

نویسندگان و هنرمندان آزاده و میهن دوست، آماده دفاع از میهن، انقلاب و جمهوری اسلامی ایران

مردم انقلاب ایران

روشنفکران آگاه و میهن دوست، هنرمندان و نویسندگان شرافتمند و آزاده و میهن پرست!

جمهوری اسلامی ما، میهن انقلابی ما مورد هجوم دستانه قرار گرفته است. آسمان و زمین و دریاهای ایران اکنون مورد تعرض آشکار و مستقیم امپریالیسم جهانی و یکی از شریرترین عوامل منطقه‌ای آن، دولت فتنه گر عراق قرار دارد؛ جنگی غیرعادلانه و انضباططلبانه علیه میهن بزرگ انقلابی ما آغاز شده است.

امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، مصمم است از طریق این جنگ تحمیلی، انقلاب ایران را خفه کرده، درخون بشوید و یا حداقل آنرا مشغول داشته، از بازسازی انقلابی میهن ما جلوگیری کند.

دل‌های پاک مردم انقلابی ما سرشار از خشم و کینه است. فرزندان خشمگین و دلوار و انقلابی ما با ساداران انقلاب، سربازان، جوانان و نوجوانان دلیز ما، زندگی خود، تمامی شور و جوش انقلابی خود و تمامی نیرو و امکانات خود را دستمایه دفع این هجوم شرورانه کرده، جنگ تحمیلی امپریالیسم جهانی و مبارک و عامل منطقه‌ای آن را به جنگی عادلانه، دشمن شکن و مقصود، در راه دفاع از انقلاب و میهن خود بدل کرده‌اند.

روز نبرده ضربات سهمگینی برداشتن تجاوز وارد آورده‌اند. قلب ایران انقلابی درجه‌های نبرد می‌تپد. توده‌های میلیونی مردم ایران تمامی نیروی انقلابی خود را برای ناکام کردن این تجاوز توطئه آمیز بیخ کرده‌اند و سراسر میهن پهناور ما به پیشانی مطمن و فعال رزم آورده‌اند و فداکار ما بدل شده است. اتحاد و وحدت مردم ایران اکنون بیش از هر زمان دیگری در دوران پس از پیروزی انقلاب تجلی شده است.

دولت پستی عراق، کشته‌ها در رویاهای شوونیسم مطلق طلبانه سر میرد، در سیرمحتوم خود عملاً در کنار امپریالیسم جهانی، سرکردگی امپریالیسم آمریکا، قرار گرفته است و دقیقاً در جهت خواست‌ها و مطامع امپریالیسم جهانی گام برمی‌دارد.

دولت پستی عراق از آغاز انقلاب مردم ایران خود را در اردوگاه دشمنان انقلاب یافت و کینه توزانه با انقلاب ما و مردم انقلابی ما روبرو شد، و پس از پیروزی انقلاب ایران، سرزمین عراق را به پایگاه فتنه و تجاوز علیه ایران انقلابی تبدیل کرده، خود را سزاوارترین به سازمان دادن گروه‌های ضدانقلابی و خرابکار و افرام آن‌ها به ایران دستزد.

اما سیاست خارجی هیچ دولتی نمی‌تواند از شیوه‌ها و سیاست‌های داخلی آن جدا باشد. دولت پستی عراق که پیشوایی مطلق طلبانه نفوذ می‌کند و آرزوهای دور و دراز دوسر می‌روراند، دولتی که در سیر این شوونیسم ایلبانه و نابیردانه، در آغاز کار خود استخوان‌های پوسیده هارون الرشید را از ایران مطالبه می‌کرد، در قدام راه و کار خود به قلع و قمع میهن پرستان عراق پرداخت، رشیدترین، فرزانه‌ترین و میهن پرست‌ترین فرزندان ملت عراق را گروه گروه به جوخه‌های اعدام سپرد و هنوز و همچنان به این شیوه‌های رذیله و ضد مردمی ادامه می‌دهد.

اوج چنین شیوه‌های اختناق و ضد مردمی با مقاومت ریزاترین توده‌های مردم عراق روبرو شده و می‌شود.

آری، آنها این حقایق را در نمی‌یابند و هرگز نیز قادر به درک و دریافت آن نخواهند بود، زیرا حیات رزوه زوال خود را در سیر زودبندها و توطئه‌های سیاسی و نظامی ادامه داده‌اند و هرگز پیوسته یا توده‌ها ندانند.

ما نویسندگان و هنرمندان ایران، که با تمامی ذرات وجود خود ط به انقلاب سپرده‌ایم و با تمامی نیرو و امکانات خود در خدمت انقلاب فرسودگی توده‌های مردم ایران قرار داریم، در این لحظات حساس و خطیر از کلیه روشنفکران ایران، خاصه از تمامی هنرمندان و نویسندگان مردمی و مردمگرای ایران طلب می‌کنیم که با همه توان خود یا هنر خود یا قلم و قدم و بیان خود، و در هر لحظه که لازم باشد، با همه توان جسمانی خود به دفاع

میادین آزاده عراقی برای سرنگون کردن رژیم ناسیونالیست عراق متحد شده و می‌شوند و در این راه از پشتیبانی کلیه نیروهای ترقیخواه، آزاده و انقلابی جهان، و از جمله از پشتیبانی بی‌دریغ مردم انقلابی ایران برخوردارند. این مقاومت‌های روزافزون، که در سراسر عراق اوج گرفته است، دولت پستی عراق را به ضعف و تقویری علاج‌ناپذیر گرفتار کرده است، و درست در ارتباط با این ضعف علاج‌ناپذیر است که رژیم عراق خود را نیازمند قدرت‌نمایی یافته است. همکاری نزدیک عراق با امپریالیسم جهانی و هزل آن در منطقه و تجاوز نظامی عراق به ایران درست در پیوند با این ضعف و از مردم پریدگی رژیم عراق قابل توضیح است.

اما آن پیوند با امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، و این تجاوز نظامی به ایران انقلابی، تنها کوریسی سیاسی رژیم عراق را نمایان می‌کند. رژیم از مردم پریدگی عراق قادر به درک این حقیقت نیست که ایران امروز، ایران انقلابی نیرومندتر از هر زمان دیگری در تاریخ معاصر خویش است، چرا که نیروهای مسلح ایران پیوندهای ارگنیک، ژرف و ناگسستی با خلق خویش دارند. آنان به یغویی آگاه‌اند آنچه چیز دفاع می‌کنند، آنان به یغویی واقف‌اند که در خلق همراه گام‌های آنان می‌تپد، آنان به یغویی می‌دانند که سربازانی تلخ‌انداخته در میدان نبرد نیستند، بلکه به نمایندگی از سوی تمامی توده‌های انقلابی و با حمایت مادی و معنوی تمامی توده‌های انقلابی می‌رزمند.

رژیم از مردم پریدگی عراق و حامیان امپریالیست آن بنا به طبیعت خود نمی‌تواند این حقیقت را دریابد که، در ایران انقلابی امروز، هرگز و هرگز و جوانان کودکی، یک سپاه با قوه و هر گاه لازم باشد، یک سپاه با فضل است؛ که نه تنها با سلاح، بلکه حتی اگر لازم باشد، با جنگ و دندان از میهن انقلابی خود دفاع می‌کند. رژیم عراق و حامیان امپریالیست آن قادر به درک این حقیقت نیستند که، علیرغم خواست و تمایل آنها، جنگی که بر ایران انقلابی تحمیل کرده‌اند، نه تنها موجب زوال ایران انقلابی نمی‌شود، بلکه اتحاد خلل‌ناپذیر مردم ایران را سبب می‌کند و در جریان این جنگ و نیز در پایان آن، انقلاب ایران به مرحله کیفیت و الاثر و استواری ارتقاء می‌یابد.

آری، آنها این حقایق را در نمی‌یابند و هرگز نیز قادر به درک و دریافت آن نخواهند بود، زیرا حیات رزوه زوال خود را در سیر زودبندها و توطئه‌های سیاسی و نظامی ادامه داده‌اند و هرگز پیوسته یا توده‌ها ندانند.

ما نویسندگان و هنرمندان ایران، که با تمامی ذرات وجود خود ط به انقلاب سپرده‌ایم و با تمامی نیرو و امکانات خود در خدمت انقلاب فرسودگی توده‌های مردم ایران قرار داریم، در این لحظات حساس و خطیر از کلیه روشنفکران ایران، خاصه از تمامی هنرمندان و نویسندگان مردمی و مردمگرای ایران طلب می‌کنیم که با همه توان خود یا هنر خود یا قلم و قدم و بیان خود، و در هر لحظه که لازم باشد، با همه توان جسمانی خود به دفاع

رژیم از مردم پریدگی عراق و حامیان امپریالیست آن بنا به طبیعت خود نمی‌تواند این حقیقت را دریابد که، در ایران انقلابی امروز، هرگز و هرگز و جوانان کودکی، یک سپاه با قوه و هر گاه لازم باشد، یک سپاه با فضل است؛ که نه تنها با سلاح، بلکه حتی اگر لازم باشد، با جنگ و دندان از میهن انقلابی خود دفاع می‌کند. رژیم عراق و حامیان امپریالیست آن قادر به درک این حقیقت نیستند که، علیرغم خواست و تمایل آنها، جنگی که بر ایران انقلابی تحمیل کرده‌اند، نه تنها موجب زوال ایران انقلابی نمی‌شود، بلکه اتحاد خلل‌ناپذیر مردم ایران را سبب می‌کند و در جریان این جنگ و نیز در پایان آن، انقلاب ایران به مرحله کیفیت و الاثر و استواری ارتقاء می‌یابد.

آری، آنها این حقایق را در نمی‌یابند و هرگز نیز قادر به درک و دریافت آن نخواهند بود، زیرا حیات رزوه زوال خود را در سیر زودبندها و توطئه‌های سیاسی و نظامی ادامه داده‌اند و هرگز پیوسته یا توده‌ها ندانند.

ما نویسندگان و هنرمندان ایران، که با تمامی ذرات وجود خود ط به انقلاب سپرده‌ایم و با تمامی نیرو و امکانات خود در خدمت انقلاب فرسودگی توده‌های مردم ایران قرار داریم، در این لحظات حساس و خطیر از کلیه روشنفکران ایران، خاصه از تمامی هنرمندان و نویسندگان مردمی و مردمگرای ایران طلب می‌کنیم که با همه توان خود یا هنر خود یا قلم و قدم و بیان خود، و در هر لحظه که لازم باشد، با همه توان جسمانی خود به دفاع

رژیم از مردم پریدگی عراق و حامیان امپریالیست آن بنا به طبیعت خود نمی‌تواند این حقیقت را دریابد که، در ایران انقلابی امروز، هرگز و هرگز و جوانان کودکی، یک سپاه با قوه و هر گاه لازم باشد، یک سپاه با فضل است؛ که نه تنها با سلاح، بلکه حتی اگر لازم باشد، با جنگ و دندان از میهن انقلابی خود دفاع می‌کند. رژیم عراق و حامیان امپریالیست آن قادر به درک این حقیقت نیستند که، علیرغم خواست و تمایل آنها، جنگی که بر ایران انقلابی تحمیل کرده‌اند، نه تنها موجب زوال ایران انقلابی نمی‌شود، بلکه اتحاد خلل‌ناپذیر مردم ایران را سبب می‌کند و در جریان این جنگ و نیز در پایان آن، انقلاب ایران به مرحله کیفیت و الاثر و استواری ارتقاء می‌یابد.

آری، آنها این حقایق را در نمی‌یابند و هرگز نیز قادر به درک و دریافت آن نخواهند بود، زیرا حیات رزوه زوال خود را در سیر زودبندها و توطئه‌های سیاسی و نظامی ادامه داده‌اند و هرگز پیوسته یا توده‌ها ندانند.

ما نویسندگان و هنرمندان ایران، که با تمامی ذرات وجود خود ط به انقلاب سپرده‌ایم و با تمامی نیرو و امکانات خود در خدمت انقلاب فرسودگی توده‌های مردم ایران قرار داریم، در این لحظات حساس و خطیر از کلیه روشنفکران ایران، خاصه از تمامی هنرمندان و نویسندگان مردمی و مردمگرای ایران طلب می‌کنیم که با همه توان خود یا هنر خود یا قلم و قدم و بیان خود، و در هر لحظه که لازم باشد، با همه توان جسمانی خود به دفاع

رژیم از مردم پریدگی عراق و حامیان امپریالیست آن بنا به طبیعت خود نمی‌تواند این حقیقت را دریابد که، در ایران انقلابی امروز، هرگز و هرگز و جوانان کودکی، یک سپاه با قوه و هر گاه لازم باشد، یک سپاه با فضل است؛ که نه تنها با سلاح، بلکه حتی اگر لازم باشد، با جنگ و دندان از میهن انقلابی خود دفاع می‌کند. رژیم عراق و حامیان امپریالیست آن قادر به درک این حقیقت نیستند که، علیرغم خواست و تمایل آنها، جنگی که بر ایران انقلابی تحمیل کرده‌اند، نه تنها موجب زوال ایران انقلابی نمی‌شود، بلکه اتحاد خلل‌ناپذیر مردم ایران را سبب می‌کند و در جریان این جنگ و نیز در پایان آن، انقلاب ایران به مرحله کیفیت و الاثر و استواری ارتقاء می‌یابد.

آری، آنها این حقایق را در نمی‌یابند و هرگز نیز قادر به درک و دریافت آن نخواهند بود، زیرا حیات رزوه زوال خود را در سیر زودبندها و توطئه‌های سیاسی و نظامی ادامه داده‌اند و هرگز پیوسته یا توده‌ها ندانند.

ما نویسندگان و هنرمندان ایران، که با تمامی ذرات وجود خود ط به انقلاب سپرده‌ایم و با تمامی نیرو و امکانات خود در خدمت انقلاب فرسودگی توده‌های مردم ایران قرار داریم، در این لحظات حساس و خطیر از کلیه روشنفکران ایران، خاصه از تمامی هنرمندان و نویسندگان مردمی و مردمگرای ایران طلب می‌کنیم که با همه توان خود یا هنر خود یا قلم و قدم و بیان خود، و در هر لحظه که لازم باشد، با همه توان جسمانی خود به دفاع

رژیم از مردم پریدگی عراق و حامیان امپریالیست آن بنا به طبیعت خود نمی‌تواند این حقیقت را دریابد که، در ایران انقلابی امروز، هرگز و هرگز و جوانان کودکی، یک سپاه با قوه و هر گاه لازم باشد، یک سپاه با فضل است؛ که نه تنها با سلاح، بلکه حتی اگر لازم باشد، با جنگ و دندان از میهن انقلابی خود دفاع می‌کند. رژیم عراق و حامیان امپریالیست آن قادر به درک این حقیقت نیستند که، علیرغم خواست و تمایل آنها، جنگی که بر ایران انقلابی تحمیل کرده‌اند، نه تنها موجب زوال ایران انقلابی نمی‌شود، بلکه اتحاد خلل‌ناپذیر مردم ایران را سبب می‌کند و در جریان این جنگ و نیز در پایان آن، انقلاب ایران به مرحله کیفیت و الاثر و استواری ارتقاء می‌یابد.

آری، آنها این حقایق را در نمی‌یابند و هرگز نیز قادر به درک و دریافت آن نخواهند بود، زیرا حیات رزوه زوال خود را در سیر زودبندها و توطئه‌های سیاسی و نظامی ادامه داده‌اند و هرگز پیوسته یا توده‌ها ندانند.

از سپین کبیر خویش، به دفاع از انقلاب خویش، به دفاع از ایران انقلابی برخیزند. در این مرحله اتحاد کلیه نیروهای میهن‌خواه و انقلابی تحت رهبری پیر خردمند ما امام خمینی، شرط اساسی پیروزی در این نبرد سرنوشت‌ساز است. هیچ اختلاف نظر و اختلاف نلیقه‌ای نمی‌تواند و نباید مانع اتحاد عمل نیروهای انقلابی در دفاع از میهن انقلابی باشد. این نبرد یک جنگ میهنی، یک یکبار انقلابی است. تنها ضد انقلابیون و وابستگان به امپریالیسم جهانی می‌توانند از صف پر عظمت منافقان ایران انقلابی جدا باشند. برترید جنگی که بر میهن ما تحمیل شده است، در نهایت صف انقلاب و ضدانقلاب را هر چه بیشتر از یکدیگر جدا خواهد کرد. دوستان و دشمنان واقعی ما را در درجه‌های داخلی و نیز در درجه‌های جهانی بیش از پیش به ما خواهد شناساند و ما را به دوستان واقعی انقلابی دیگری خواهد ساخت.

بگذار جمهوری اسلامی ما، میهن ما در جریان این نبرد بزرگ به حقایق و واقعیت‌های دوران ما بیش از پیش آشنا شود. بگذار جمهوری اسلامی ما، میهن بزرگ انقلابی ما در این فرصت استثنایی بیش از هر زمان دیگر دوستان راستین انقلاب ایران را در عرصه داخلی و جهانی بشناسد. بگذار در این آزمون بزرگ تمامی سوهن‌ها و کینه‌ها بین بر خیزان روشنفکران ما و جامعه انقلابی ایران بروز کرده‌است و از جناب ایادی امپریالیسم نیز به آن دامن زده شده و می‌تپد، رنگ‌بازد و آن روشنفکران شریف و صدیق ایران، که اینجا و آنجا گرفتار بر سرخ و پشنداریها و ناپاوری‌های نادرست بوده‌اند، نیز در کنار توده‌های میلیونی مردم و یازو به باوری آنان، در کارزار انقلابی هر چه بیشتر، فعالی و آگاهانه شرکت کنند.

بگذار صف راستین انقلاب و ضدانقلاب یازم بیشتر از هم جدا شود. بگذار تردیدها و نگرانی‌های جامعه انقلابی ایران در مورد برخی از روشنفکران، که در زیر سایه کدخدایی از روشنفکران ضدانقلابی به موجود آمده و به وسیله کدخدایی از راستگرایان افراطی و عوامل امپریالیسم دامن زده شده است، از میان برود.

شورای نویسندگان و هنرمندان ایران آماده‌است و همراه خواهان است که کلیه نیرو و امکانات خود و اعضاء خود را در خدمت دفاع از میهن قرار دهد. تخصصی و آگاهی ما، هنر ما، قلم و قدم ما، اندیشه و بیان ما، و اگر لازم باشد، آخرین قطره خون ما در راه انقلاب، در راه دفاع از جمهوری اسلامی ایران، در راه دفاع از میهن انقلابی ما قرار دارد. ما در این راه مقصود می‌تواند تلاش بکنیم و در عین حال صحیحانه خواستار آنیم که از اشتباه پرشور انقلابی ما تا بیشترین حد امکان بهره‌گیری شود. ما از امام خمینی رهبر خردمند انقلاب ایران و نیز از دستگاه رهبری کشور می‌خواهیم که با رهنمودهای خود امکان بهترین بهره‌گیری از نیروی ما را فراهم آورند.

هیئت اجراییه شورای نویسندگان و هنرمندان ایران ۱۳۵۹/۷/۲۷

این بیانیه در اختیار کلیه روزنامه‌ها از جمله کیهان، اطلاعات، جمهوری اسلامی، نامه مردم، انقلاب اسلامی، ضحی آزادگان، میزبان، آرمان ملت، است. اتحاد مردم، مردم ایران، ایران هنر و سرزوش قرار گرفته است.

و آوازی مردم بیگناه شهرها و روستاها و در بدی زنان و کودکان معصوم شهرهای مهاباد و بیات‌شهر و سرحد و غیره پخش انقلاب ایران نیست. با بدقتنگ مارا بسوی دشمن اصلی امپریالیسم آمریکا و مزدوران و ایادی منطقه‌اش نظیر رژیم پست عراق نشانه روند.

در نبرد خستگی و باطل، در نبرد مستضعفین و مستکبران پیروزی حق حتمی است، و دهری نخواهد گذشت پوزه امپریالیسم آمریکا و رژیم مزدور پست عراق پشاک مایه خواهد شد و آمریکا، همانگونه که درویش‌نما ناپاوارم‌ها را تحمل تنگ‌ترین شکست‌ها، گور عودارگم کرده، در ایران و منطقه نیز سرنوشت بهتری نخواهد انتظارش نیست.

● مرگ بر امپریالیسم آمریکا و دستیاران پستی‌اش ● پیروز باد مبارزه مردم ایران در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ● کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان (پرو و کنگره چهارم) ۱۳۵۹/۷/۲۷

باید تفنگها را بسوی دشمن اصلی، امپریالیسم آمریکا و مزدوران و ایادی منطقه‌اش، نظیر رژیم پست عراق، نشانه رفت

کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان (پرو و کنگره چهارم) ۱۳۵۹/۷/۲۷

دفاع از انقلاب ایران اساسی‌ترین وظیفه ماست

منطقه‌اش، نظیر رژیم پست عراق، نشانه رفت

کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان (پرو و کنگره چهارم) ۱۳۵۹/۷/۲۷

دفاع از انقلاب ایران اساسی‌ترین وظیفه ماست

منطقه‌اش، نظیر رژیم پست عراق، نشانه رفت

کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان (پرو و کنگره چهارم) ۱۳۵۹/۷/۲۷



رئیس جمهور هندی: گسترش روابط هند با اتحاد شوروی، به ویژه در شرایط متشنج کنونی، اهمیت اساسی دارد

مذاکرات رئیس جمهور هندی با لئونید برژنف و دیگر رهبران اتحاد شوروی در مسکو ادا شده است.

لئونید برژنف در مصافحتی که به افتخار رئیس جمهور هندی برپا شده بود، از جمله گفت که دوستی و همکاری هند و اتحاد شوروی سهم بزرگی در حفظ صلح و ثبات جهان دارد.

برژنف ضمن تأکید بر تلاش‌ها برای احیای دوستی و ارتباطی برای افزایش سطح درجهان گفت:

«کسانی که در این شرایط متشنج در جهان هستند، که به و پست‌ها قهرمان حمله کردند، کسانی که مردم کامبوج را راحست نمی‌گذارند و کسانی که تلاش کردند ضد انقلاب را به افغان‌ستان ما درکنند، کسانی که در قبا نوس هندوخلیج فارس دست به گسترش فعالیت‌های نظامی زده‌اند»

رهبر اتحاد شوروی خواستار رحل و فعل مناقشات و تنش‌هاست جاری از راه مسالمت آمیز شد.

رئیس جمهور هند در سخنان خود، ضمن تأکید بر دوستی هند و شوروی گفت:

«گسترش روابط هند با اتحاد شوروی، به ویژه در شرایط متشنج کنونی، اهمیت اساسی دارد»

مذاکرات رهبران دو کشور در محیط دوستی و تفاهت کامل جریان دارد.

دولت اتیوپی از یونسکو جایزه مبارزه با بیماری گرفت

گزارش‌های رسیده از اتیوپی نشان می‌دهد که سرانجام این کشور به یک مدرسه تبدیل شده است و در مساجد، کلیساها، مدارس و زیردرختان، میلیون‌ها نفر در کلاس‌های مبارزه با بیماری شرکت کرده‌اند.

در این کلاس‌ها از کودکان ۹ ساله تا پسران و دختران ۱۵ ساله دیده می‌شود.

در سال ۱۹۶۲، سال سقوط رژیم منغول‌ها به سلاسی، بیش از ۹۲ درصد مردم بی‌سواد بودند. دولت انقلابی در بدو امر شصت هزار نفر جوان را به مدت دو سال به روستاها فرستاد، تا آموزش ابتدایی را به روستاها بیاورند.

وزیر آموزش اتیوپی گفت: «وظیفه جوانان نه تنها سوادآموزی بود، بلکه این جوانان انقلابی وظیفه داشتند مراقبت کنند که فرامین انقلابی دولت به درستی اجرا شود»

وزیر آموزش اتیوپی با تأیید روش «زنان که در گذشته فراموش شده بودند، اینک با شور و شوق فراوان در کلاس‌ها شرکت می‌کنند»

دروسی به پنج زبان ملی اتیوپی می‌شود و ۵۹ مرکز با حدود ۲۲۱ هزار ۸۸۷ آموزگار برای سوادآموزی تأسیس شده است.

کشورهای سوسیالیستی برادر در این مبارزه کمک‌های ثابانی در اختیار دولت انقلابی اتیوپی قرار می‌دهند.

برای کسانی که مرحله اول را طی کرده‌اند، دوره‌های دیگری گذاشته می‌شود.

امسال یونسکو جایزه مبارزه با بیماری را به دولت اتیوپی تقدیم کرده است.

آمریکا عربستان سعودی را برضد ایران مسلح می‌کند

سخنکاری وزارت دفاع آمریکا رسماً اعلام کرده که این کشورها را دارا برنده (آواکی) مجهز به آخرین دستگاه‌های شناسایی و گردآوری اطلاعات به عربستان سعودی فرستاده است. مقام‌های آمریکایی مدعی هستند که رژیم دست نشانده عربستان سعودی تقاضا کرده است که آمریکا با توجه به اوضاع خاورمیانه، از این کشور دفاع کند.

همچنین صدها کارشناس نظامی آمریکا اعزام عربستان سعودی شده‌اند. خبرگزاری تاس در تفسیری برآمده از این اقدام آمریکا، نوشت که آمریکا دست به ماجراجویی نظامی زده و ظاهراً تصمیم گرفته است که در مناطقی که در شرکت دارد، کند.

مرگ بر امپریالیسم جهانخوار آمریکا، دشمن اصلی خلق‌های ایران و جهان



چهلین سال زندگی حزب مادرملیاتی آزادی شود کمترین  
ماو انقلاب شکوهمند، بایکی از دشوارترین نبردهای تاریخ خود  
درگرفت. در تمام دوران طولانی سینه نالی که از لفظ  
پایه‌گذاری حزب ما گذشته است، حزب توده ایران، حزب طبقه  
کارگر و همه زحمتکشان مین ما، همواره در اولین رده‌های نبرد  
دشوار برای تأمین استقلال ملی و آزادی و بازگردن راه پیشرفت  
اجتماعی، در مواضع تزلزل‌ناپذیر انقلابی، ضدامپریالیستی، مترقی  
و آنتراناسیونالیستی، یعنی وفاداری به‌دیرینه به آرمانها و منافع  
زحمتکشان ایران و سراسر جهان قرار داشته و در این نبرد طوفانی  
سهمگینی را از سر خود گذرانده است. در این راه پرستلاخ و پرپیچ  
و خم و پرفراز و نشیب، حزب ما بارها بر زمین خورده، دست و پال  
و تنش مجروح و خونین گشته، بخشی از بهترین فرزندان خود را  
قربانی داده، حتی گاهی به گورمراه گام گذاشته، ولی همیشه،  
به‌مکک اصلیت برخوردار علمی و انقلابی خود، شاهراه رابافته،  
قد علم کرده و بار سنگین رسالت تاریخی خود را به‌دوش گرفته و در  
یگانه راهی که به سر بلندی و نیکی‌بخشی توده‌های ده‌ها میلیون  
زحمتکشان و رنجبران کشور خواهد رسید، گام برداشته است.  
حزب ما دورانهای پر تلاطم زیادی را در این زندگی سی و نه  
ساله خود طی کرده است. ولی به جرئت می‌توان گفت که، سال  
سی و نهم، سالی که گذشت، یکی از متلاطم‌ترین و در عین حال یکی  
از پرنشاط‌ترین سالهای زندگی حزب ما به‌شمار می‌رود.  
حزب ماسی و نهمین سال زندگی خود را در دست روزی آغاز کرد  
که، پس از بیش از چهل روز تعطیل دبیرخانه، کمیته مرکزی حزب  
و توقیف نامه مردم، ارگان مرکزی حزب، دوباره امکان فعالیت  
قانونی خود را در جمهوری اسلامی ایران بدست آورد. خود این  
حادثه، پیروزی بزرگ حزب ما بود بر توطئه‌گران وابسته به  
امپریالیسم و امپریانتظام‌ها و نیز بهما و پشتیبانان لیبرال آنها، که  
با همدستی با افراطیون راستگرا و چپ‌نمایان امریکازده، از همان  
اولین روز پیروزی انقلاب، تمام تلاش خود را متوجه آن کرده بودند  
که از فعالیت قانونی و علمی حزب ما محالوگیری کنند.  
بدست آوردن حق فعالیت قانونی و علمی برای حزب توده  
ایران ضربی بود به این توطئه، که خودگوشای بود از توطئه  
عظیمی که لیبرالها و عمال امپریالیسم امریکایی برای منحرف ساختن  
انقلاب ایران از مسیر سوسیالیستی و ملی‌اش، یعنی از خط عیقاقد  
امپریالیستی و خلقی‌اش، یعنی خط امام خمینی، تدارک میدیدند.  
هواداران سازش با امپریالیسم امریکا، که در دولت لیبرال  
جای گرفته بودند، حتی پیش از پیروزی انقلاب نقشه‌های مزورانه  
خود را برای منحرف ساختن انقلاب و هموار ساختن راه سازش با  
امپریالیسم امریکا، با هدف نگاهداری نظام سرمایه‌داری وابسته،  
طرح کرده بودند.  
همانطور که میدانیم، انقلاب ایران تحت تأثیر شرکت عظیم  
نیروهای خلق زحمتکش و رنج‌دیده و رهبری آشتی‌ناپذیر و پیگیر  
امام خمینی، از چارچوب تنگی که لیبرالها برای آن آرزو میکردند،  
گام فراتر نهاد. عوامل امریکا و لیبرالها، که این مرحله نبرد را  
باخته بودند، هنوز امیدوار بودند، که با تکیه به پایگاههای نیرومند  
اجتماعی - اقتصادی خویش، بتوانند آب رفته را بجوی برگردانند  
و سیاست‌سازگارانه و تسلیم‌آمیز خود را به انقلاب تحمیل کنند.  
حزب توده ایران با سیاست علمی و انقلابی، دقیق و درستی که  
برگزیده بود، مانع جدی در راه عملی ساختن چنین توطئه‌های بشمار  
میرفت. این اولین بار در تاریخ نبود و آخرین بار هم نخواهد بود  
که سازشکاران و تسلیم‌طلبان، راه سازش و تسلیم خود را از مبارزه  
برای محدود ساختن فعالیت و سرکوب کردن جریانهای سیاسی  
انقلابی راستین آغاز می‌کنند.  
به این ترتیب، سی و نهمین سال زندگی حزب مادرست در  
لحظهای آغاز شد، که از یکسوی لیبرالها و عمال سیاست امریکا در  
ایران، به آخرین مراحل توطئه وسیعی که برای منحرف ساختن  
انقلاب ایران تدارک دیده بودند، نزدیک میشدند، و از سوی دیگر  
ضلم بود که این تلاش پر خورده‌های سخت اجتماعی را همراه خواهد  
داشت. نیروهای انقلابی که طی ۹ ماه حکومت لیبرالها، به  
ماهیت ترس‌کننده آن آشنا شده بودند، خواستار ادامه پیگیرانه راه  
انقلاب، یعنی گسترش و تصحیح سنگریزه‌های اساسی انقلاب بودند.  
آغاز سی و نهمین سال زندگی حزب ما، با آغاز یکی از پر تلاطم  
ترین دورانهای تاریخ ماست. مین ما و یکی از بهترین‌ترین و پرنشاط  
ترین مراحل تکامل انقلاب شکوهمند ما همان زمان بود.  
درست یکماه پس از آغاز این سال نوبین آزادی حزب ما،  
نخست وزیر لیبرال، مهندس بازرگان، و وزیر خارجه وزیر دفاع  
دکتر یزدی و دکتر چمران، که هر دو وزیران سیاست همکاری یکجانبه  
با امریکاهستند، بدون اطلاع رهبر انقلاب، امام خمینی، و بدون  
اطلاع شورای انقلاب، برای دیدار با برژنفسکی، به بهانه مزورانه  
شرکت در جشن سالروز انقلاب الجزیره، به این کشور مسافرت کردند  
یعنی دیدار با همان کسی که، در تمام دوران چهارساله اخیر،  
گرداننده و طراح اصلی همه تحریکات ضد انقلابی و کودتایی  
امپریالیسم امریکایی در سراسر جهان و بویژه در ایران بود و هست.  
این دیدار را لیبرالهای سازشکار و تسلیم‌طلب ایران با  
برژنفسکی هنگامی انجام میدادند که، دستگاههای جاسوسی امریکا  
در ایران، همه امکانات خود را برای تدارک توطئه‌های منظور  
بر انداختن رژیم جمهوری اسلامی تجهیز کرده بودند. در این  
زمینه یادداشت برژنفسکی به وزیر خارجه، وقت امریکا، که بوسوله  
آقای دکتر بنی صدر رئیس جمهوری افشارگردید، آنقدر گویا است که  
محتاج به تفسیر اضافی نیست. برژنفسکی در ۶ اوت ۱۹۸۰ (۱۵  
مرداد ۵۹) از جانب کارتر به ونس دستور می‌دهد:

مذهبی و گروه‌های افراطی، که گذرند مذاکراتی صلحانه  
علیه رژیم خمینی را تحریک کنند، تماس هائی برقرار  
گرد...  
انقلابیون ایران در آن تاریخ از وجود چنین نامه اطلاع  
نداشتند. ولی می‌توان بطور جدی تردید کرد که "امپریانتظام‌ها"  
هم از آن بی‌خبر نبودند. در هر حال تردید نیست که مبدل‌آقایان  
بازرگان و یزدی و چمران با برژنفسکی در ارتباط مستقیم با سیاستی  
بوده است که در این نامه تشریح شده است.  
درست است که مبارزان انقلابی ایران از وجود این نامه خبر  
نداشتند، ولی سیاست امریکا را نسبت به انقلاب ایران خوب می  
شناختند. همین شناخت بود، که سبب ناخشنودی توده‌های  
میلیونی مبارزان انقلابی ایران را از سیاست سازشکارانه و تسلیم  
آمیز دولت لیبرال، که در دیدار با برژنفسکی، یکی از برجسته‌ترین  
نمایندگان امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی انقلاب ایران و همرومان  
سراسر جهان تجلی یافت، برآه انداخت.  
دیدار لیبرالها با برژنفسکی شعله‌های آشتی را برافروخت،  
که تا این لحظه هنوز فروزان است، و صرف نظر از برخی لحظه‌های  
آرامش ظاهری، طی یک سال اخیر هر روز سرکش تر گردیده است.  
اولین انفجار تاریخی این شعله فروزان، اقدام جورانه  
دانشجویان سلمان پیرو خط امام بود که، در راه عملی ساختن  
رهنمود تاریخی امام خمینی: "با تمام قدرت حطالت خود را علیه  
امریکا و اسرائیل گسترش دهید"  
(از بهام به دانشآموزان و دانشگامان و محصلین علوم دینی -  
۱۳ آبان ۱۳۵۸)  
"باید بدانند که در ایران باز انقلاب است، انقلابی بزرگتر  
از انقلاب اول. در این انقلاب شیطان بزرگ امریکاست."  
(از گفتار با کارکنان بیمه ایران - ۱۳ آبان ۱۳۵۸)  
لانه جاسوسی امپریالیسم امریکا را، که مرکز توطئه خائنانه علیه  
انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و تزلزل‌ناپذیر بخش امپریانتظام -  
ها بود، به اشغال خود درآوردند و با این اقدام خود، یکی از  
مهم‌ترین ستادهای توطئه علیه انقلاب ایران را درهم کوفتند.  
در این دوران، روشن بینی حزب ما یکبار دیگر امکان تجلی  
پیدا کرد. حزب توده ایران این اقدام را تجلی خشم نیروهای  
انقلابی ایران نسبت به سیاست کج دار و مریز دولت لیبرال‌آزبایی  
کرد و با تمام نیروی خود از آن پشتیبانی نمود، علیرغم اینکه در  
برخی محافل جهانی نیروهای مترقی، تقاضای برای این اقدام  
وجود نداشت. حزب ما این اقدام دانشجویان سلمان پیرو خط  
امام و نیروهای انقلابی که پشتیبان آن بودند، را آغاز یک نبرد  
سپارجدی در جهت گسترش و تصحیح سنگریزه‌های اصلی انقلاب  
ایران، یعنی سنگریزه ضد امپریالیسم و خلقی‌اش، و بویژه  
سنگریزه روشن ضد امپریالیسم امریکا آزبایی کرد، و با هوای  
چپ‌گرایان بی‌تجربه و چپ‌نمایان امریکازده را با پیرو خندی پاسخ  
داد.  
با افتادن قیافه سازشکار و تسلیم‌آمیز لیبرالها، که مزورانه  
خود را در صفوف انقلاب جازده و بر اثر عدم شناخت و تجربه  
سازبان راستین انقلاب، در حساسترین مقامات رهبری جا گرفته  
بودند، یکی از مهمترین پیش بینی‌های حزب ما، که در گزارش  
پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی و در برنامه پیشنهادی برای تشکیل  
جبهه متحد خلق در همان فرآیند پیروزی منتظر گردید، تأیید  
شد. حزب توده ایران بدستی پیش بینی کرد که پیروزی  
لیبرال ایران خواهد کوشید انقلاب را در چارچوب نگاهداری نظام  
فارتگر سرمایه‌داری و بزرگ مالکی مضمور کند و در برابر مبارزه  
توده‌های زحمتکش برای تصحیح انقلاب، در راه سازش با امپریالیسم  
و ارتجاع سرنگون شده، به منظور سرکوب انقلاب، گام خواهد  
گذاشت. حزب توده ایران یگانه راه تحکیم و گسترش انقلاب را  
که منفر ساختن پیروزی لیبرال و برکنار کردن آن از رهبری بود،  
نرپیش پای توده‌های میلیونی محرومان جامعه، یعنی زحمتکشان  
شهری روستا قرارداد. توده‌ها با تجربه شخصی خود به این  
حقیقت پی بردند و تمام نیروهای انقلابی خود را در راه تصحیح  
انقلاب بکار انداختند.  
با این تحول عمیق در روند انقلاب ایران، درستی تاریخی  
یکی دیگر از ارزیابی‌های همیشگی حزب ما مورد تأیید قرار گرفت.  
از همان روزهای آخرونگ جهانی دوم، امپریالیسم امریکایی  
در صحنه سیاست جهانی گام گذاشت و در صدد ایجاد امپراطوری  
جدید جهانی زیر پیوغ و سلطه خود، بجای امپراطوری‌های کهنه  
و ورشکست شده انگلیس و فرانسه و ژاپن برآمد، حزب ما اعلام  
داشت که، بزرگترین و خطرناکترین دشمن همه خلقهای محروم  
جهان، و از آن جمله خلقهای محروم مین ما امپریالیسم امریکا  
است.  
دوران طولانی حزب ما در این ارزیابی تنها و تنها بود و  
حتی مین دوستانی مانند دکتر مصدق و مبارزانی مانند دکتر  
فاطمی، ما را به علت همین ارزیابی مورد اتهام قرار میدادند.  
ولی تاریخ همواره موبد ارزیابی‌های درست است. زندگی دوران  
پیش از انقلاب و بویژه دوران کوتاه پس از انقلاب، هم‌رشته‌های  
را که امپریالیسم امریکا با تبلیغات سی‌ساله خود و دست‌نشاندهانش  
مانند رژیم شاه ملعون، و کارگزارانش مانند امپریانتظام‌ها، و  
سازشکارانی مانند لیبرالها و دیگران رسیده بود، پنهان کرد و  
چهره کوبه و جنایتکار امپریالیسم امریکا را یکبار دیگر در برابر  
مردم ایران و مبارزان انقلابی از برماکهای "بشردوستانه"  
"هواداری از مذهب و اخلاق" بیرون آورد.  
این انفجار برای حزب ما در تاریخ باقی می‌ماند که مزود تراز  
هر نیروی سیاسی دیگری در ایران، ماهیت امپریالیسم امریکا را  
شناخت و با وجود تحمل شدیدترین پیگیری از سوی این امپریالیسم  
و مزدوران آریامهری‌اش، حتی یک لحظه هم از مبارزه آشتی‌ناپذیر  
علیه آن دست برنداشت.  
انفال لانه جاسوسی امریکا و اولین نهاد مهم آن، که  
برکناری دولت لیبرال مسئولیت بود، تنها آغاز مرحله  
جدیدی از انقلاب دزمینه مناسبات با امپریالیسم امریکا و بطور  
کلی در جهت تصحیح سنگریزه ضد امپریالیستی انقلاب نبود، بلکه  
بموازات آن سرازاز مرحله نوبین در تصحیح سنگریزه‌های خلقی  
انقلاب، یعنی سنگریزه‌های ضد بزرگ مالکی و ضد سرمایه‌داری بود.

### نورالدین کیانوری

# یکسال دیه پر تلاطم حزب ما

تجربه زندگی و مبارزه به بخش مهمی از مبارزان انقلابی آنها که  
مدافع پیگیر خو استهای محرومان جامعه هستند، ثابت کرد که  
تصحیح مبارزه علیه امپریالیسم، تلاش برای تأمین استقلال ملی،  
بدون مبارزه برای کوتاه کردن دست فارتگران بزرگ مالک و کلان  
سرمایه‌دار از جریانهای حیاتی اقتصادی کشور، با بدیگر سخن، بدون  
مبارزه برای ریشه‌کن ساختن بزرگ مالکی و محدود ساختن سرمایه  
داری امکان پذیر نیست.  
حزب توده ایران سر بلند است که بر پایه برخورد علمی و  
انقلابی خود به مسائل اجتماعی، پیش از هر نیروی سیاسی دیگر  
جامعه، چهل سال اخیر ایران، این حقیقت را شناخت، و علیرغم  
همه دشواریها، لحظهای از راه تحقق آن منحرف نگردید. این  
شناخت مهم، در برنامه سیاسی حزب ما، که در دوران سیاه رژیم  
شاه ملعون، سالها پیش از آغاز دوران اوج انقلاب منتشر گردید،  
به بهترین وجهی بازتاب یافته است.  
حزب توده ایران نمیندوان این احساس خشنودی عمیق  
خود را به‌شمارد که، آنچه را که سالها، با تحمل شدیدترین پیگیری  
های سیاسی، تنها و تنها دفاع کرده است، امروز به خواست  
توده‌های میلیونی مبدل گردیده و - گرچه با سرعتی برابرت کمتر  
از آنچه در توان جنبش انقلابی ایران است - گام به گام بصورت  
واقعی درمی‌آید.  
بطور کلی، رویدادهای همان اولین هفته‌های دوران پس از  
پیروزی انقلاب، درستی ارزیابی‌ها و موضع‌گیریها و شناخت حزب  
ما را نسبت به نیروهای شرکت کننده در انقلاب، و بویژه ارزیابی  
حزب ما را در مورد نیروهایی که زیر پرچم امام خمینی و در خط امام  
خیمینی مبارزه میکردند، مورد تأیید قرارداد و تادروستی و زبان  
بخشی مواضع چپ‌گرایانی را که، بدلت همین موضع‌گیریها، هر روز  
خوراها لجن بر حزب ما می‌پاشیدند، به ثبوت رساند. آنها  
مجهور شدند زیر شلاق واقیقات تاریخی، خیلی دیر و لنگ و لنگان  
و با تردید و ناگهانی در همان راهی گام گذارند که حزب ما، از  
اولین روزهای اوچگیری جنبش انقلابی ایران، با قاطعیت برگزید،  
یعنی راه همگامی با مبارزان پیگیر راه امام خمینی در مبارزه علیه  
امپریالیسم، به سرگردگی امریکا، و مبارزه با فارتگران بزرگ مالک  
و کلان سرمایه‌دار، به سود محرومان جامعه، یعنی زحمتکشان شهر  
و روستا.

### دشواریهای انقلاب افغانستان و تأثیر آن در ایران و جهان

یکی از مهمترین مسائل سیاسی که حزب ما در همان ماههای  
اول سی و نهمین سال زندگی با آن روبرو گردید، رویدادهای  
افغانستان بود.  
درباره افغانستان، که نزدیک به دو سال پیش از  
انقلاب ایران بوقوع پیوست، و بدون تردید تأثیر عمیقی در اوج  
گیری جنبش انقلابی در ایران بجای گذاشت، حزب ما به‌دیرنگ  
ارزیابی دقیق خود را در عرض افکار عمومی قرارداد. انقلاب  
افغانستان، انقلابی بود عمیقاً ضد امپریالیستی، مردمی و  
دموکراتیک، با اهداف تأمین استقلال و آزادی و پیشرفت اجتماعی  
برای خلقهای محروم کشور برادر و همسایه ما.  
درست است که همین علت هم بود که انقلاب افغانستان از همان  
نخستین لحظه مورد شدیدترین حملات کین‌تورانه امپریالیسم  
امریکا و دست نشاندهانش در منطقه، یعنی رژیم شاه ملعون و رژیم  
ضیا الحق پاکستان قرار گرفت.  
برخورد و شوبه مبارزه و مقابله امپریالیسم امریکا با انقلاب  
افغانستان همان برخورد و شوبه مبارزه و مقابله ای است که، دو  
سال بعد، امپریالیسم امریکا در مورد ایران نشان داده است. ترس  
امپریالیسم امریکا از تثبیت و تصحیح و گسترش انقلاب افغانستان با  
سنگریزه‌های عمیقاً ضد امپریالیستی و خلقی‌اش، نظیر هم‌چنین  
همان ترس است که از انقلاب ایران دارد. این ترس و وحشت  
بویژه پس از انقلاب ایران چند برابر افزایش یافته است. وجود  
ایران و افغانستان مستقل از نفوذ امپریالیسم امریکا خطر عظیمی  
برای مجموعه تسلط امپریالیسم بر منطقه حیاتی خلیج فارس  
بوجود می‌آورد. اظهار نظر برژنفسکی در این زمینه، بدون احتیاج  
به هرگونه تفسیری، این خطر عظیم را نشان می‌دهد. یکبار دیگر  
به یاد آوریم که برژنفسکی در سخنرانی خود در لوس آنجلس، در

اردیبهشت ۱۳۵۹، یعنی پس  
امریکا در ایران، چندین بار  
"امنیت کشورهای غربی" مورد  
"اگر این منطقه منجم  
متخاصم قرار گیرد، توازن  
بلکه بطور تغییرناپذیری  
جمهوری اسلامی، ۲/۲۱  
بلافاصله پس از پیروزی  
افغانستان همان روش مبارزاتی  
نسخه دوش را پیاده کرد.  
امپریانتظامها در دستگاه رهبری  
جهت تجهیز نیروهای ضد انقلاب  
رژیم سابق، پالیزها، اوبه  
خانهای بلوچ و لشکلی و شیخ  
های چپ‌نمای چینی گزاف، مات  
ترجمه‌های بزرگ، در کنار هم  
محمداضراغه گرفته تا گلانی  
هم به نام دفاع از "اسلام"  
نی دانند که نتیجه عمل آنان،  
دزمینه اول، یعنی جا  
مقامات رهبری و منحرف سا-  
خوشبختانه در ایران، در سایه  
نیروهای اصل انقلابی با شک  
امپریالیسم امریکا موجود خاند  
الله امین، و موفقت بزرگی به  
سنگینی بر دیگر انقلاب افغانستان،  
در مرحدات افغانستان،  
کردستان و خوزستان ایران آن  
ضیا الحق آغاز کرد و با استفاد  
رهبری دولت انقلابی، این خر  
کترش داد، تا حدی که موجود  
اصیل ضد امپریالیستی و مردمی  
بدون کمک دوستان انقلاب اف  
گذاشتن توطئه ساداتی ضیا-ال  
کک اتحاد شوروی به نر  
افغانستان برای جلوگیری از تید  
ترکیه و پاکستان و مصر و یمن  
ایران، از یکسو بر اثر عدم درک  
نیروهای سالم مبارز مذهبی،  
بنیم امپریالیسم امریکا و ضدا،  
برای انقلاب افغانستان بوجود  
لیبرالهای پیرو خط برژنفسکی،  
بسیار موثر بود و هیزبانی و هم  
ضیا الحق‌ها تا به آنجا رسید که  
جمهوری اسلامی ایران، دیپلم  
دیرین امپریالیسم امریکا و انگ  
همی از نیروهای انقلابی جامعه  
به‌داده‌کنندگان خط برژنفسکی  
گردند، ولی جوشدها طماع  
دست‌نشاندهانش در منطقه آنگان دا،  
ضد انقلابی خود را در ایران در  
دهند، و این تحریکات تا آن  
روشن شد که، اکثر گروههای  
سایه قطره‌ها از همه گونه  
ایران برخوردار بودند، هر چند  
به امپریالیستهای امریکایی و  
پاکستان و مصر و عربستان سعودی  
حزب ماسر بلند است که  
حساس و مهم در زندگی سب-  
کوچکترین تزلزل و پایه حسا  
سبک است برایش بوجود آت  
بمانی ماند. تاریخ نشان خوار  
نشان داده است که حزب تود  
که ارزیابی درست و منطقی با  
اداره و در برابر سخت‌ترین

# گزارش زندگی دو پیرنمر ما گذشت

پس از شکست اولین توطئه کودتایی  
بار اهمیت ایران و افغانستان را برای  
برداشتن قرارداد و گفت:  
تغییر شود و یا تحت سلطه یک قدرت  
بزرگ قدرت در جهان نماند. بگویم  
پس از این خواهی دید. (روزنامه)

پس از انقلاب افغانستان، آمریکا در  
پای و در پیش گرفت که بعدها در ایران  
د. یعنی از یکسوی گوش درجاگردد  
پس از انقلاب و از سوی دیگر تلاش در  
انقلابی، ساواکها، افسران وابسته به  
گوییها، غانهای خائن عناصر، مانند  
میخ عثمانها و شیخ عبدالدینها و گروهک  
مانند "کوله" و انواع دارو دسته‌های  
همه این نیروهای سهامرتجایی، از  
لایه‌ها، تبلیغات بختی از مردم ساده  
م "بدام توطئه آمریکایی افتادند و  
تان بود چه نیروی جهشی تمام می‌شود.  
جادادن اینرانتظامها و ساداتها در  
ساختن انقلاب از سیرامطراش، که  
ایه وجود و تاثیر امام خمینی و پایداری  
شکست روبرو شد، در افغانستان متاسفانه  
خائنی از جنس سادات، مانند حفیظ  
بی بدست آورد و بدست او لغضات  
ستان وارد ساخت.

پس از آن که صدام حسین در  
انجام داد-امپریالیسم امریکایی  
نظافه از وجود حفیظ الله امین در مرکز  
ن خرابکاری را به میزان بسیار خطرناکی  
وجودیت انقلاب در خطر افتاد و نیروهای  
پس افغانستان در وضعی قرار گرفتند که  
افغانستان از خارج، امکان عقیم  
الاحقی را نداشته.  
نیروهای ضد امپریالیستی و مردمی  
ز تبدیل افغانستان به نمونه دیگری از  
وضع جدید بوجود آورد. بویژه در  
بروک واقعت اوضاع افغانستان از طرف  
س. و از سوی دیگر بر اثر تحریک ستون  
ضد انقلاب، جوساسی بسیار ناساعدی  
جود آمد. نقش قطب زاده‌ها و دیگر  
کی، مردمان زین به این جو ناساعد  
هنگاری قطب زاده‌ها با آتشاهی‌ها  
که قطب زاده، بعنوان وزیر امور خارجه  
بلم عدم وابستگی به این سرسپردگان  
انگلیس می‌بخشد. درست است که محافل  
سما تا این شیوه‌های تحریک آمیز  
بر، یعنی سیاست قطب زاده‌ها را محکوم  
سعد ضد انقلابی، به امپریالیسم امریکا  
فاد که مختار قابل توجهی از تحریکات  
دویر انقلابی "مبارزان افغانی" انجام  
آنها اذانه یافت که دیگر گذشت در آمد  
های به اصلاح مبارز افغانی، که زیر  
گونه پشتیبانی مادی و معنوی انقلاب  
صفت جبهه‌خواران و وابستگان مستقیم  
و انگلیسی و دولتهای مزدور آنها،  
بودی و امارات عربی هستند.

امریکا، بلکه حتی از طرف بخشی از مبارزان راستین انقلاب ایران،  
جاغالی نکرده است. با این سیاست خود، حزب ما یکبار دیگر  
اصولیت انقلابی خویش را در همسنگی و پشتیبانی بیدریغ از  
جنبش های ضد امپریالیستی و مترقی در سراسر جهان در بوسه  
آزمایش قرارداد و از آن سر بلند بیرون آمد. حزب ما با این  
روش خود درسی آموزنده به آن مدعیان مبارزه در راه طبقه  
کارگر داد که ادعاهایشان از فلک هفتم بهتراوح می‌گردد، ولی  
در عمل اپورتونیست‌هایی بیش نیستند که از ترس اینکه مورد اتهام  
قرار بگیرند، جرئت ابراز آنچه را که پشت درهای بسته درستی‌اش  
اعتراف میکنند، ندارند.

## حزب توده ایران در مقابله با شکردهای مؤذیانہ امپریالیسم امریکا

با اوگیری ضد امپریالیستی و بویژه ضد امریکائی انقلاب ایران  
امپریالیسم امریکا سه شیوه را برای مبارزه با انقلاب ایران برگزید:  
اول شیوه خراب کردن و گول زدن رهبری انقلاب و منحرف  
کردن ست انقلاب ایران سوی دشمن واهی، و در نتیجه کند کردن  
و عقیم گذاشتن شکستی ضد امریکائی انقلاب.  
دوم تدارک نیروهای ضد انقلاب در داخل، با هدف انجام  
یک کودتای نظامی.  
سوم تدارک هجوم نظامی از خارج، در مرحله اول بدست  
نیروهای ضد انقلابی منطقه، و در مرحله آخر با دخالت مستقیم  
نظامی آمریکا.

حزب ما هم در زمینه روشن ساختن و آماده کردن افکار عمومی  
و نشان دادن شیوه‌های بفرنج سیاست مزدورانه امپریالیسم امریکایی  
ایران، که بویژه پس از رویداد افغانستان بروج دفاع از "اسلام"  
راهم به پرچمهای مؤذیانہ گذشته خود افزوده بود، و هم در افشای  
همه توطئه‌های تبهکارانه امپریالیسم امریکا و ضد انقلاب داخلی و  
سیاست مزدورانه رژیم پاکستان و ترکیه و عراق نقش موثر تاریخی  
خود را با سر بلندی ایفا کرد.

حزب توده ایران با پیگیری از توطئه سازش و تسلیم که به  
رهبری قطب زاده پیاده می‌شد، نقاب برداشت. این توطئه بویژه  
در وجهت اصلی عمل میکرد: یکی در مورد تسلیم "گروگانها" و به  
وسیله آن باز کردن راه سازش با امریکا، و دیگری در مورد منحرف  
ساختن سیاست خارجی ایران در جهت دشمنی و دوری از کشورهای  
دوست انقلاب ایران و نزدیکی و سازش با دشمنانش در منطقه،  
مانند پاکستان و ترکیه و امارات عربی و غیره.  
نقش حزب ما در افشای این توطئه و شکست فزاینده بار آن،  
در جهت پشتیبانی همه جانبه از موضعگیری قاطع ضد امپریالیستی  
امام خمینی و مبارزان راستین به روش امام خمینی، بدون تردید  
یکی از موفقیت آمیزترین رویدادهای سی و نهمین سال زندگی حزب  
ماست.

در مورد افشا توطئه امپریالیسم امریکا و ضد انقلاب داخلی  
برای تدارک کودتا و کک به درهم شکستن آن، مسلما حزب ما  
نقش موثری را ایفا کرد که تاریخ آینده میتواند حدود اهمیت آنرا  
روشن سازد. ما، بدون آنکه بخواهیم خود بحالیم، میتوانیم ادعا  
کنیم که با سر بلندی از عهده انجام وظایف انقلابی و معینی خود  
برآمده‌ایم. ایضا این نقش در شرایط بسیار دشواری که با پیدایش  
جوساسعد برای کار حزب ما، بویژه در ارتباط با رویدادهای  
افغانستان بوجود آمده بود، اهمیت تاریخی برای سر نوشت جنبش  
اصیل هوادار سوسیالیسم علمی در ایران داشت. ما با فعالیت  
بگیر و خستگی ناپذیر در افشای تحریکات امپریالیسم، سرکردگی  
امپریالیسم امریکا، چه بدست قطب زاده‌ها و چه از راه سازباندگی  
ضد انقلاب در ایران و چه در زمینه تدارک فشار سیاسی، اقتصادی  
و نظامی از خارج، نشان دادیم که نماندند در حرف، بلکه همجایر  
عمل، با تمام نیرو در جهت تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب  
شکوهند مین عزیزان گام بر میداریم.

گذشته بشمار میرود.  
در این یکسال پاهای کاخ پرازواهام و اتهام و افتراهای که  
دشمنان حزب ما طی نزدیک به چهل سال زندگی، برای تجهیز  
افکار عمومی مردم علیه حزب ما، برای جلوگیری از بهر وقت همکاری  
میان نیروهای راستین انقلابی سلطان و هوادار سوسیالیسم علمی  
ساخته بودند، پشت منزلت گودید، و در مقابل، نفرت کین -  
توزانه همه دشمنان و سازشکاران و نفاق افکنان نسبت به حزب  
ما، به میزان بی سابقه‌ای افزایش یافت. اینهم سند افتخاری برای  
حزب ماست که، قیافه‌های وزندهای مانند قطب زاده و گردانندگان  
"رنجبر" و دیگر بارانسان، در کنار روزنامه‌های تحت سرپرستی  
لیبرال‌های پیرو خط برژنفسکی، مانند میزان و کیهان، حزب ما را  
اینگونه مورد حملات و افتزالات ناجوانمردانه خود قرار میدهند. اگر  
غیر از این بود، دردناک بود. شدافتخار حزب ماست که سردمداران  
کوله و قاسطوها و گروهکهای چینی زده، تریچه، پوک، کسروکله  
همه‌شان از رودگاه بختی‌های عراق درآمدند است، حزب ما را مورد  
دشنام و اتهام قرار می‌دهند.

## پیروزی حزب مادر افشاء همه پیروان تئوری ضد انقلابی سه جهان

تئوری مائوئیستی "سه جهان"، که هدفش منحرف ساختن  
جنبشهای رها نبخش ملی است، طی سالهای حکومت رژیم طاغوت  
با کک ساواک و با همدستانانی همه انقلابی نمایان لیبرال نفوذ  
وسعی در میان روشنفکران ایران، و حتی بخش مهمی از روشنفکران  
انقلابی ایران یافته بود. پس از پیروزی انقلاب، این تئوری ضد  
انقلابی بویژه از طرف نیروهای لیبرال و چپ نمایان امریکائی زده،  
به اشکال گوناگون ترویج میشد.  
هدف مبلین آگاه این تئوری ضد انقلابی این بود که، حالا  
که امریکای بزرگ بیهوش شده جنبش انقلابی قرار گرفته و سازش با  
آن را نمیتوان علنا تبلیغ کرد، پس از راه وابسته کردن سیاست و  
اقتصاد و بنیة دفاعی ایران به کشورهای امپریالیستی غرب اروپا  
و ژاپن که بزعم این آقایان و نظیر قطب زاده‌ها گویا چندین  
امپریالیست هم نیستند، نزدی را که از در بیرون رانندیم، از  
پنجره وارد خانه کنیم، بیسی وابستگی به انحصارهای اروپای  
غربی و ژاپن را جانشین وابستگی به انحصارهای امریکا کنیم. البته  
این مبلین آگاه، این حقیقت را از مردم می‌پوشانند که انحصار -  
های کشورهای امپریالیستی اروپای غربی و ژاپن تا چه درجه با  
انحصارهای امریکا در آمیخته‌اند و چگونه با آنها سیاست واحدی را  
دنبال می‌کنند.

برای حفظ صداقت تاریخی باید بگوییم که،  
به نظر ما، عمل همگان کسانی که از تئوری "سه جهان"  
و یا لااقل از محتوی عمده آن دفاع می‌کنند،  
آگاهانه نیست. ولی عدم آگاهی به مآل درستی یک  
موضع گیری سیاسی، از ریان آن نمی‌گاهد.  
سلم است که در دوران یکسال گذشته،  
حوادث رویدادها و بویژه پشتیبانی اروپای غربی  
و ژاپن از ماجراهای سیاسی و اقتصادی و نظامی  
امپریالیسم امریکا در مبارزه برای درهم شکستن  
انقلاب ایران و از یاد آوردن جمهوری اسلامی ایران،  
کمک بسیار مؤثری به درهم شکستن پایه‌های  
جملی و دروغین تئوری "سه جهان" رسانید. ولی  
نقش حزب مادر مبارزه اساسی و تثبیت برای افشای  
ماهیت مزدورانه این بند بازی سفسطامیز بسیار  
مؤثر بود. ماست و از پیروزی‌های سی و نهمین سال  
زندگی حزب ما بشمار می‌آید.

## مبارزه حزب ما برای اصلاحات اجتماعی، برای گسترش دستاوردهای انقلاب

سیاست حزب ما همیشه بر آن بوده است که  
تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب تنها با تجهیز  
سیاسی توده‌ها امکان پذیر نیست و باید به مسوولیات  
تبلیغ و تجهیز سیاسی، از راه انجام اصلاحات بنیادی  
بمسوود توده‌های دهها میلیونوی محنتکش، از راه انجام  
زدن به غارتگری استثمارگران و در درجه اول بزرگ  
مالکان و سرمایه‌داران زالوصفت، از راه تأمین  
حقوق اجتماعی و فرهنگی و ملی خلق‌های محروم  
غیر فارس، از راه بازسازی و نوسازی و گسترش  
اقتصادی، از راه توسعه فرهنگ و آموزش و بهداشت و  
درمان، از راه مبارزه همه جانبه با بیسوادی، از راه  
ایجاد کار برای بیکاران، از راه تأمین حق برابر مرد  
کار و امور اجتماعی برای زنان ما، که نقش قهرمانانه‌ای  
در پیروزی انقلاب و نگهداری دستاوردهای آن داشته و  
دارند، از راه تأمین امکانات برای رشد سالم فرهنگی  
و ورزشی جوانان، و اصلاحات ضروری دیگر، اینهم  
توده‌های دهها میلیونوی راهروزی بیشتر محکوم تر، دور  
انقلاب و جمهوری اسلامی گرد آورد و از این راه نقش‌های  
مروارید ضد انقلاب را، کمی کوشد از این محرومیت‌ها  
علیه نظام جمهوری اسلامی ایران بهره‌گیری کند،  
نقش برآورد.

مبارزات حزب ما در این زمینه، در کنار  
مبارزه سایر نیروهای خواستار اصلاحات بنیادی در  
جامعه، بدون تردید، در یکسالگی که گذشت، ثمرات  
چشمگیری در راه عمیق تر کردن خصلت خلقی انقلاب  
داشته است.

حزب توده ایران ضمن این که بطور بکیر برای  
تأمین این خواست‌های بحق توده‌های دهها  
میلیونی مبارزه کرده، این واقعت را از نظر سوردور  
نداشت است که، درهم شکستن نظام کهنه و استقرار  
نظام جمهوری اسلامی، با همه کمبودها و نواقص که در  
بردارد، بادشواری‌های عظیمی همراه است. در چارچوب  
چوب این دشواری‌ها، که بخش مهمی از آن از یکسو  
محمول عوامل اجتناب ناپذیر ناشی از تحول، و از سوی  
دیگر ناشی از نارسیدگی انقلاب است، نباید خواست‌ها  
را خارج از چهار چوب امکانات منطقی قابل دسترسی مطرح  
ساخت. حزب ما در همین این که هدف‌های دراز مدت  
خود را با صراحت بیان داشت است، همیشه بر آن بوده  
و هست که، مطرح کردن خواست‌هایی که هنوز شرایط  
عینی و ذهنی رشد جنبش انقلابی برای عملی ساختن  
آن بلافاصله بوجود نیامده، به عنوان مسئله مردم روز،  
و تلاش و مبارزه برای تحمیل آن به جنبش، همواره  
نتایج معکوس می‌بخشد و ریان‌های جبران ناپذیر و  
گاه خطرناک به انقلاب می‌رساند.

در این زمینه، حزب ما بطور بکیر با "چپ  
گرایان"، که همیشه در ارزیابی نیروها و امکانات  
واقعی و عینی، در جهت زیاده‌پادادن به نیروهای  
خوف و به حساب نگذاشتن عوامل ناساعد عینی  
گرایش دارند، مبارزه کرده است. زندگی نیز درستی  
موضع گیری حزب ما در همه موارد تأیید گردید است.  
ما امیدواریم که نتایج منفی کفالتت مخرب  
چپ‌نماها و اشتباه موضع گیری چپ‌گرایان، که برای  
جلب و جاهد توده‌های، در دام مردم فریبی‌های  
چپ‌نماها افتادند، به ریان جز حکمتشان به بار آورده،  
برای این چپ‌گرایان درس آموزنده‌ای باشد و آنان  
را در راه تصحیح روش‌ها و موضع گیری‌های نادرست  
شان یاری رساند.  
حزب ما با بهره‌گیری از تجربیات موفقیت -  
آمیز خود در سی و نهمین سال زندگی‌اش، با پیگیری  
مبارزه خویش را در این عرصه هم دنبال خواهد  
کرد.

## مبارزه حزب مادر راه افشای ملی گرایان دروغین، چپ‌نماها و نفاق افکنان حرفه‌ای

در تمام دوران یکسالگی گذشته، حزب ما  
مبارزه موفقیت آمیزی را در افشای گروه‌های سازشکار  
و منحرف ملی گرا، مانند بقایای مسخ شده "جبهه  
ملی" و حزب بختی زده "ایران" و گروهک‌های  
چپ‌نمای "جبهه دمکراتیک ملی"، "سوسیالیست  
ها"، "تروتسکیست‌ها"، "بیکاری‌ها" و دهها گروهک  
چپ امریکایی - چینی دنبال کرد. این مبارزه  
افشاکرانه حزب ما، به موازات واقعات زندگی و  
موضع گیری معیوب و گرم خورده خود این سازشکار  
ها و گروهک‌ها، آن‌ها را به تکرار از گردونه سیاست  
ایران به دور انداخت و امروز با ننگ و رسوائی  
همکاری با ضد انقلاب برپشتانی همان‌ها خورده  
است.

این مبارزه در جهت دیگری هم تاثیر کرد و آن  
این که، چشم و گوش نیروهای سالم و پابهور نسبی  
سالمی را که بر اثر گمراهی سیاسی به آنها برخورد  
بودند و با بدام سطوحی رنگارنگ آنان افتاده  
بودند، باز کرد، و به ناگاه کنگر که حساب خود  
را به طور جدی و با لاقول در نخستین گام از حساب  
این گروهک‌ها جدا سازند.  
حزب ما، بدون این که بخواهد آب با حساب  
دلسوختگان بیزد کاز رویدادهای مثبت درون  
سازمان چریک‌های فدائی خلق و حزب دموکرات  
کردستان ایران به درد آمده و به روز عافتادند،  
می‌تواند با سر بلندی به این واقعت بهالذ گسه و  
سیاست درست وی گویاناش در برخورد با مسائل  
حیاتی انقلاب ایران، در تقویت سمت گیری‌های  
مثبتی که اکثریت سازمان چریک‌های فدائی خلق و  
گروه جدا شده از رهبری حزب دموکرات کردستان  
برگزیده‌اند، تاثیر بسیار داشته است. این تحولات  
در دو سازمان نامبرده، نظمه‌های اولیه رشد یافته  
ای هستند در جهت نزدیکی بیرونی بخش مهمی از  
نیروهای راستین هوادار انقلاب ایران، و درست به  
همین جهت هم این چنین کین توزان مورد تقویت  
نفاق افکنان و مائوئیست‌های تازه سلطان شده و  
لیبرال‌های "کیهان" و "میزان" قرار گرفت است.  
بگذار دلسوختگان زوزه بکشند. این هم به مسود  
انقلاب شکوهند مین ما است.

بقیه در صفحه ۶

# کارگران کارگاههای چوب فروش



این کارها را انجام دادند. به فراغ یکی دیگر از کارگران به نام غلامرضا رفتیم، او گفت: من فکر نمیکنم که کاری از این سخت تر و بدتر وجود داشته باشد. غلامرضا همین آقا که کرد: این کار اصلا

آینده ای ندارد. ما حتی یک درخت شاخه هم نداریم. من چندین روز است که حتی نان شب زن و بچه ها هم نتوانستیم تهیه کنیم. دربارۀ غلات ناشی از کار میگویند: من یک انگشتر را که میان الوارها مانده بود از دست دادم. غلامرضا دربارۀ انتظار داشتن از دولت گفت: من انتظار دارم که دولت برای امنیت اجتماعی و شرایط کار بهتر میگوید: کفشتان از این ها، دولت باید هر چه زودتر جلوی گران شدن و گرانی را بگیرد. بار این گرانی فقط روی دوش ما زحمتکشان است. ما مل این گرانی ها سرمایه داران هستند. دولت باید کار و اردات را توزیع اجناس را خوب به همه بگذرد تا سرمایه داران نتوانند از قبل ما برهول هایشان اضافه کنند.

همین دیدار از مرکز چوب فروشی و گفتگو با باربران نشان می دهد که دولت باید اولاً: ما عیان چوب فروشی را وادار کند به کارگران حقوق ثابت ماهانه یا مزا یا پرداخت کند. ثانیاً: با فراهم کردن وسایل اولیه کتاکتوری، کارگران مهاجر را تشویق به کتاکتوری و فروش دروس های خود کند. تا به این وسیله هم به کارگزاران زرع رونق بخشد و هم روستا نشان را از وضع تابسان بوجود آید.

برخوردار نمی شویم: نه بیمه هستیم، نه تعطیلی داریم، نه ساعت کار مشخص. گذشته از آن ما اگر مریض بشویم و یا در حین کار مدهم بیهوشیم، هیچ کسی نیست که به ما دمان برسد. قربان دربارۀ توقفتن از دولت میگوید: من از دولت فقط یک کار دارم و رسمی می خواهم تا اگر مریض شدم لااقل یک لقمه نان داشته باشم که بخورم. کلبه الله، یکی دیگر از کارگران در حالی که به کمر خمیده اش اشاره می کرد گفت: این را می بینی، من ۴۰ سال است که توی این کار هستم، این الوارها آدم را به این روز می اندازند. آدم توی این کار خرد می شود، هیچ کس هم نیست که به فریاد ما برسد.

حمت الله میگوید: در این کار کوچکترین عقلت موجب مرگ است. وزن این الوارها که به ۱۵۰ و حتی به ۲۰۰ کیلو می رسد. مگر یک انسان چقدر جان دارد؟ از رحمان پرهیزکار، یکی دیگر از کارگران که اهل الموت است پرسیدیم: برای حمل هر کدام از این الوارها چقدر مزد می گیری؟ میگوید: مشتری ان هر چقدر دلشان بخواد بدهول می دهند. قانونی که برای این کار وجود ندارد. کارگران هم تا می آیند دور هم جمع بشوند و مقرراتی برای این کار بگذارند، کار فرما ها (صاحبان چوب فروشی ها) آنها را از این جا بهرون می کنند و در عوض یک عده کارگر لبر، افتقانی و غیره می آورند. وی هم چنین اضافه می کند: آقا ترابه خدا پرسیدیم که ما از هیچ کدام از مزایای کارگری بهره مند نیستیم. از رحمان در بارۀ انتظار داشتن از دولت پرسیدیم، گفت: یک خواستم از دولت این است که به وضع آب و هوا رسیدگی کند. در ده ما چند سال است که به علت کمبود آب، کشاورزی رونق ندارد. اگر دولت آب مورد نیاز ده را تامین کند، من و چندین نفر از سایر کارگرانی که از الموت آمده اند و این جا کار می کنیم، می توانیم به ده خودمان برگردیم و کتاکتوری کنیم. دیگران هم دولت باید امنیت اجتماعی را هر چه زودتر تامین کند. با اتمام دهه نیروی انسانی انقلابی خیلی راحت تر و زودتر می توان

گران میگویند که تاکنون چندین نفر جان خویش را در این کار از دست داده اند و به تدرت می توان کارگری را پیدا کرد که شش گون آسیب ندیده باشد. کارگران که اغلب از اهالی نروزی هستند، مشمول هیچ یک از مزایای قانونی کارگران وزارت کار و تنخواه نیستند. این کارگران چون استعداد رسمی نیستند، حقوق ثابتی هم دریافت نمی کنند و فقط از طریق اجرتی که مشتریان به آنها می دهند، امرار معاش می کنند. دستمزد کارگران برای حمل هر کدام از الوارها (بسته به انصاف مشتری) به تفاوت از ۱ تا ۲ تومان است. با چندتن از این کارگران به گفتگو نشستیم:

"شهادی رجب" ۶۰ سال دارد و قامت نحیف و خمیده اش حاصل ۴۰ سال سابقه در این کار است. میگوید: من روزانه ۴۰، ۵۰ و حداکثر ۱۰۰ تومان از این کار عایدی دارم. و با این گرانی روز افزون هم که این پولها به جایی نمی رسد. وی همچنین اضافه می کند: این الوارها خیلی سنگین هستند و از من دیگر به علت پیروی کاری بر نمی آید، ولی چاره ای نیست. من ۹ ساعت کار دارم و باید عکماً آنها را سحر کنم. از وی دربارۀ خطرات ناشی از کار پرسیدیم، پاسخ داد: در این کار امکان ندارد که آدم آسیب نبیند. من تا به حال دوبار شکم را عمل جراحی کرده ام و با این حال مجبورم به این کار ادامه بدهم. پرسیدیم از دولت چه انتظاری داری؟ میگوید: اولین خواستم این است که دولت جلوی گرانی را بگیرد و دیگر این که، یک مقدار هم به فکر این کارگران باشد. ما اگر کارمند رسمی بودیم و از حق بازنشستگی برخوردار بودیم، من الان مجبور نبودم که با این سن و سال زیر بار سنگین این الوارها بروم. قربان، یکی دیگر از کارگران که ۳۷ سال دارد میگوید: من حدود ۲۰ سال است که به این کار مشغول هستم. از ساعت ۸:۰۷ صبح تا ۶:۰۷ بعد از ظهر کار می کنم و روزانه، حداکثر ۱۵۰، ۱۰۰ تومان درآمد دارم. وی دربارۀ کاری میگوید: ما چون کارگر رسمی نیستیم از هیچ حق هم

روزی دست نشانده بهلوی پس از سقوط خویش، ارشیه های شوم بسیاری برای خلق شتمیده، ما به جا گذاشت که، بیکر از آن ها مهاجرت روستا بی است.

سیاست های استعماری امپریالیسم آمریکا که، بوسیله "معدنخا" و "جنا" بیکار، این عامل سرسوزده امپریالیسم در روستا های ایران به اجرا در می آید، موجب فقر و بدبختی هر چه بیشتر روستا - ثیا نیمه مان را فراهم می ساخت. و در نتیجه همین سیاست ها بود که بسیاری از روستا نشان گرسنه و بی چیز، به اجبار تن به ترک خانه و کاشانه خود داده و به شهر ها مهاجرت کردند.

تهران، منزلگاه بیشترین تعداد از مهاجرین روستا بی است. روستا نشان اغلب مجبورند که در تهران به کارهای شاق و توان فرسای از قبیل حمل الوار ها و چوب های سنگین، تن در دهند. دروازه شمیران و دروازه نروزی و بعضی نقاط دیگر از مراکز عمده قیرونی چوب الوار هستند. تعداد نسبتاً زیادی از کارگران روستایی در این نقاط به کار حمل چوب ها و الوارها، اشتغال دارند. آنها چوب ها را به یک مشتری، از کارگاه های چوب فروشی می خرند، به درون ماشین ها می برند و با به نقاط دیگر حمل می کنند. کارگران الوارها را که گاه و گاه آنها به ۱۵۰ کیلوگرم می رسد، بر روی تانه های خود حمل می کنند. چون هیچ گونه وسیله ای برای این کار وجود ندارد، سلامتی و جان کارگران به علت سنگینی الوارها، در معرض خطر قرار دارد. کار

## یکسال دیگر از زندگی پر تلاطم و پر ثمر حزب ما گذشت

پنجه از صفحه ۵

## مبارزه حزب توده ایران در راه گسترش همکاری با مبارزان مسلمان پیر و خط امام خمینی

مکتوبی مرکزی مجموعه سیاست حزب مادر سال گذشته، به یاد کردن رهنمودهای اساسی بنیوم شانزدهم کمیونرکی حزب توده ایران در زمینه تلاش برای تشکیل جبهه متحد خلق بوده است. بدون تردید این مکتوبی، خط مرکزی سیاست دراز مدت آینده حزب ما باقی خواهد ماند.

محور اساسی تشکیل جبهه متحد خلق در همین ما، تأمین همکاری مادامه مبارزان راستین هوادار انقلاب ضد امپریالیستی و وطنی و در فرجه اول تأمین همکاری مادامه مبارزان مسلمان پیرو خط امام خمینی با هواداران راستین سوسیالیسم علمی، یعنی پیروندگان راه طبقه کارگر است. این سیاست کلی را حزب ما سالها قبل از پیروزی انقلاب بر پایه تحلیل علمی و واقع بینانه انقلاب ایران و نیروهای اصلی آن برگزیده، با پیگیری دنبال کرده، و علی رغم همه موانع و گسری های نیروهای نفاق افکن، علمی و غیر علمی سلطنتی های نیروهای مبارز مسلمان، به طور عسکری ناپذیر دنبال خواهد کرد و با عقیده دارد که زندگی درستی ایران به نیروهای مادامه که خواهان استقلال و آزادی و دگرگونی های بنیادی اجتماعی به سود محرومان جامعه هستند، ثابت خواهد کرد.

خوشبختانه حزب ما در راه مادامه ساختن شرایط ذهنی برای تشکیل جبهه متحد خلق، شیوه اتحاد و مبارزه است، که محتوی علمی آن عبارت است از: پشتیبانی بی دریغ از موضع گیری های انقلابی و مثبت نیروهای کامیونرکامیت را در دست داشتن جبهه متحد خلق، حرکت آن ها به طور عمده در خط امام خمینی است. و مبارزه با موضع گیری های نادرست، سیاسی انحصار طلبی در قیوم کردن قدرت، با محدود کردن آزادی فعالیت سایر نیروهای راستین هوادار انقلاب، با بی توجهی به خواست های مردم توده های محرومان جامعه که در چارچوب امکانات واقعی جمهوری اسلامی است. با تسلیم به فشار نیروهای راست گرا و هواداران ننگامداری نظام سرمایه داری و بسزوی حاکمی با انتخاب سیاست نادریستخا چسبندگی نسبت به دوستان و دشمنان واقعی انقلاب ایران، با برگردن شیوه های نادرست در حل مسائل اجتماعی و یا تحمیل نظریات قشری به جامعه ایران.

حزب ما می تواند با سر بلندی ادعا کند که، فر

## در کارخانه کربن بلاک

کارخانه کربن بلاک در جنوب، که "دوده" لازم برای صنایع لاستیک سازی تولید می کند، در فروردین ماه سال ۵۹ به سیاه گسری تعطیل شد. این کارخانه سازهای چهار کارخانه لاستیک سازی و صنایع دیگر در کتاکتوری و کتاکتوری و غیره را از موجودی انبارتاسین می کند. چندی پیش، پس از اتمام عملیات توسعه، هنگامی که تولید مجدد در برنامه روز قرار گرفت، پرسنل و کارگران کارخانه خواستار الحاق کارخانه به شرکت نفت شدند و از تولید سر باز زدند. در شرایطی که کتاکتوری با نیاز مردم به تولید هر چه بیشتر برای قطع وابستگی به امپریالیسم را دارد و باتوجه به این که کارخانه در حدود صدوسی نفر کارگر دارد و تعطیل شدن آن، کار چهار کارخانه لاستیک سازی و سایر صنایع وابسته را، که در حدود ده تا دوازده هزار نفر کارگر دارند، به تعطیل می کشاند، اینگونه تصمیمات نادرست و بی بنیاد است. اینگونه اعمال در اوضاع بحرانی میهن ما، به ضرری به ضد انقلاب می دهد. تا توسطه های غیر درامه انقلاب تا مان داده و به مرحله اجتناب نرود.

ما استدواریم که پرسنل و بویزه کارگران کارخانه اهمیت و حیاست لحظه را درک کنند و با تصمیمات نادرست و زیان بخش، سیاه به ضد انقلاب ندهند.

**گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند زحمتکشان را باید با تصمیمات ثوروی وقاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد**

همان زمینها، وظیفه انقلابی و تاریخی خود را تا حد به خطر انداختن امکان فعالیت قانونی و علمی اش انجام داد. بدون تردید همکاری های قابل توجهی نیز به دست آورد ما است. هیچ فرد یا حسن نیتی نمی تواند این واقعیت را انکار کند که، بسیاری از شمارهای که حزب ما برای اولین بار مطرح کرده ام روز به صورت شمار عمده ترین بخش های نیروهای انقلابی ایران درآمده است. بویزه در این ارتباط، ما به مبارزه خود برای شناساندن دوستان و دشمنان انقلاب ایران در صحنه سیاست جهانی اشاره می کنیم و خوشبختانه در این واقعات زندگی و تحولات ماههای گذشته، به ویژه دوران مبارزه آغاز نهادهای انقلابی و جمهوری اسلامی ایران درستی نظریات و موضع گیری های حزب ما را مورد تأیید قرار داده اند.

آری، زندگی هر روز بیشتر نشان می دهد که کشورهای سوسیالیستی و جنبش اصل کورنستی و کارگری جهان سرمایه داری و جنبش های اصل رهایی بخش ملی، دوستان واقعی انقلاب ایران، دوستانی که در هر طریقی ترین شرایط، از هیچ گونه کمک برای تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب ایران دریغ ندارند. زندگی نشان داد که هواداران سوسیالیسم علمی و دشمنان وادار انقلاب ایران و مسلمان نمایان "عشق مسلمانان" "مسلمانان امریکایی و روحانی نمایان هوادار بختیار و اوبسی و پالیزیان و شامطمون و امریکا، دشمنان سرخست انقلاب ایرانند.

زندگی درستی ارزیابی حزب ما را با روشنی مورد تأیید قرار داد که، خط جدایی میان هواداران و دشمنان انقلاب ایران، در ایران از مرز "عشق" نام به طور عام و هواداران سوسیالیسم علمی نمی گذرد، همانطور که در جهان، مرز بین دوستان و دشمنان انقلاب ایران، میان کشورهای مسلمان و غیر مسلمان عبور نمی کند. زندگی با قاطعیت چشمگیری ارزیابی حزب ما را در باره برخورد امریکا به لیبس امریکایی و مجموعه امپریالیسم جهانی به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران مورد تأیید قرار داد. زندگی نشان داد که امریکا به هیچ وجه در هیچ صورتی، نتواند وقتی کشور نیرو و امکان توطئه دارد دست از دست داشتن از خطه جمهوری نوبیند اما این نخواهد دانست. زندگی ارزیابی حزب ما را تأیید کرد که، امریکا پس از هر شکست و ناکامی، با زورم هارت و توتنج و توتنج و توتنج آمیز تر علیه انقلاب ما به میدان خواهد آمد. زندگی نشان داد که خوشبختی ایرانی که می رفتند گول امیرالها و امیران نظام ها و قطب زاده ها را بخورد و چنین پندارند که امپریالیسم امریکا حاضر شده است و با حاضر خواهد شد انقلاب ایران را بپذیرد و دست از ستم با آن بردارد، در لب چهره هولناکی قرار گرفتند. زندگی گفتار امام خمینی را به روشنی تأیید کرد که امریکادشمن اصلی و دشمن شماره یک تمام محرومان جهان از جمله مردم ایران و جمهوری اسلامی ایران است و مانا غرور مران باید علیه امریکا جنگیم از سوی دیگر، زندگی به روشنی و در سراسر این لحظات نشان داد که، جمهوریهای در جهان دوست

همان واقعات مؤید ادعای آغاز این نوشتار است که، سی و نهمین سال زندگی حزب ما، یکی از پر تلاطم ترین و پر شترترین دوران های فعالیتش بود. ما با موضوعی به مراتب محکم تر و با اعتباری به مراتب بیشتر از آغاز سال گذشته، به هجدهمین سال زندگی حزبمان گام می گذاریم.

سلطان با وضعی که در ماه های اخیر، به علت محدودیت های کبرای آزادی فعالیت حزب ما بوجود آمده بود شورای های کمی اکنون بر اثر تجاوز نظامی ناچواندرانه رژیم مزدور بعثی عراق و امریکا لیبس امریکاییان افزودند تا است، سال آسانی در برابر آثار ترگرفناست. ولی علی رغم همه این

متاسفانه در روز هفت علموی روحی و عقوبتی  
به چنان تمام مخالف مربوط به مجلس شدیم  
لذا به گزارش مجلس را در این شماره  
به اطلاع خوانندگان گرامی میرسانیم:

### در جلسه علنی پر پر روز مجلس:

## با آمریکا در جنگیم

### دکتر پداله سخایی: ما خود را با آمریکا در جنگ نمی بینیم!

کفایت مذاکرات پذیرفته شد.

آنکه حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی بر اساس  
مجموعه پیشنهادها، شخصیات کیسیون را طبقه بندی کرد:  
وی سپس یکایک پیشنهادها را به تفصیل تشریح کرد.  
در مورد بندهای مختلف رای گیری بعمل آمد. بر اساس  
این رای گیریها مقرر شد که:

- ۱- تصویبات کیسیون در مجلس تصویب شود.
- ۲- سایر نمایندگان نظریات خود را به این کیسیون بدهند.
- ۳- کیسیون صورت جلسات خود را در اختیار نمایندگان بگذارد.

آنکه مسئله مذاکره کردن این کیسیون یا  
نکردن آن مطرح شد و در این باره چند موافق و مخالف  
سخن گفتند.

توکلی در این مورد و در مقام مخالفت گفت:  
در نوشتن انقلاب همین جا متین می شود. اگر قفلت  
از موضع گیریهای امام نباشد، هیچوقت این مسائل مطرح  
نمیشد. امام موضع خود را اعلام کرده است. کاری  
هم میسازد، هرگز مذبذخوانی نمی کند. اگر کیسیون  
حق مذاکره پیدا کند، انقلاب را نابود می کند. آمریکایی  
که ساجد را بیادارن می کند، چه مذاکره ای با او می  
توان داشت؟ ما بر اساس عملکرد دشمن، موضع دشمن  
را تشخیص می دهیم.

مطالعی در مقام موافقت با مذاکره کیسیون گفت:  
دیدن مذاکره، این کیسیون نمی تواند وظیفه خود را  
انجام دهد. یک وقت هست که ما از موضع ضعف  
مذاکره می کنیم و گاه از موضع قدرت. ما از نظر  
تعلیقاتی، اگر حق مذاکره نداشته باشیم، در دنیا محکوم  
می شویم. لذا این کیسیون باید با توجه به رهنمود امام  
و خواست ملت، قادر به انجام هر نوع مذاکره باشد.

در همین باب، حسن آیت به عنوان مخالف و  
حجت الاسلام مجتهد شبستری نیز به عنوان موافق سخن  
گفتند.

آنکه ژنگه به عنوان مخالف گفت: در حالیکه  
هه جامعه ما مخالف مذاکره هستند، چرا این مسائل  
را مطرح می کنید؟ انقلاب ما تمام محادلات و تقویات جهان  
را بر هم ریخته است و حالا بضررها اطلاعات غلطی را  
اینجا مطرح می کنند و بعد از خالی کردن دل نمایندگان،  
مسائل مختلف از جمله مذاکره را مطرح می کنند.  
استراتژی ما مشخص است. تا تکلیف ما نباید استراتژی  
ما را بشکنند. این تشنه این است که کسی از موضع -  
گیریها مبتنی بر اطلاعات غلط و یا بضرهای غلط است.

این موضع گیریها نمی تواند سررشته ساز انقلاب واحد  
جهان باشد. این برداشتها مناسب با پتانسیل انقلاب ما  
و مکتب ما نیست. برای اینکه بهترین حرکت را در این

جفری تاکید کرد که امضای کیسیون نباید تحت تاثیر  
جریانات روز قرار گیرد و اختیارات آنان باید در رابطه  
با درک کلی آنها (امضاء کیسیون) از امریالیسم باشد.  
او گفت:

جاسوس ها باید مدارکی برای محاکمه و رسوا کردن  
امریالیسم آمریکا باشند.

احمد گلستانی گفت: تصمیم گیری در این مورد  
باید کاملاً به عهده مجلس باشد. البته مطلقاً مذاکره  
در این مورد وجود نباید داشته باشد.

هنجری اظهار داشت: «کیسیون که تشکیل می  
شود، باید تمام کارهای خود را بر بنیاد اینکه دانشجوین  
ما می دانستند سفارت آمریکا جاسوسخانه است و افراد  
شامل در آن جاسوس، قرارداد، زیرا ما دیدیم که آنچه  
در این سفارت نصب شده بود، شاید در پنتاگون هم نباشد.

امضاء کیسیون همچنین باید مکتب ما را که مبارزه  
برامان با ظالم است، در نظر داشته باشند. دیگر اینکه  
هر چه زودتر وسایل محاکمه گروگان های جاسوس فراهم  
شود، تا این حربه آمریکا از دستش گرفته شود. رعایت  
عملیات بعدی آمریکا بر جبهه های روشن شود. نکته دیگر  
اینکه برادرانی که انتخاب می شوند، باید توجه داشته  
باشند که ما این حرکت را پیگیری می کنیم و هیچگونه  
بسی از ابر قدرت آمریکا در وجودشان نباشد و از موضع  
قدرت با آمریکا برخورد کنند.

### با آمریکا در جنگیم

نطق بعدی خواستار آزاد بودن تحقیقات کیسیون  
ویر و تماس این کیسیون با نمایندگان شد.  
فره یارن ضمن سخنانی پیشنهاد کرد که کیسیون  
ویژه مذاکرات خود را مرحله به مرحله به مجلس بدهند  
ولی در هر مرحله نمایندگان را در جریان بگذارند، او  
اشاره کرد:

بعضی می گویند در این وضع حساس، مملکت  
چشمپوروت دارد که این مسئله را مطرح کنیم. ما از  
آمریکا نمی ترسیم، در صلح و در جنگ بودن وضع ما  
فرقی نمی کند و اگر ما این مسئله را متوقف کنیم، منتهی  
این است که ما حالت فوق العاده ای پیدا کرده ایم. در حالیکه  
ما مرد جنگیم و با آمریکا می جنگیم.

صباغان گفت: «امضاء کیسیون باید با تدابیر نامرئی  
بکنند و زمان کار خود را هم مشخص کنند. این برنامه  
اگر به تصویب مجلس رسید، دیگر ضرورتی ندارد که  
جزئیات کار آنها به تصویب مجلس برسد. کیسیون نباید  
حق تصمیم گیری و مصاحبه داشته باشد. کله استدلاله  
جاسوسی هم باید در اختیار کیسیون قرار گیرد.

وی سپس خواستار برهم زدن این کیسیون شد.  
تمام تصمیم گیری گرفته شده دیگر برای مملکت بویچود  
نیارود. صباغان در پایان خواستار مخالفت کامل کیسیون  
به محض تشکیل، در مورد وضع «گروگان ها» و جایابی.  
آنان شد.

در این هنگام عده ای از نمایندگان خواستار کفایت  
مذاکرات شدند. عده ای از نمایندگان در مقام مخالفت  
و موافقت با کفایت مذاکرات سخن گفتند. در این مورد  
رای گیری بعمل آمد و بر اساس رای اکثریت نمایندگان

در خط امام خواهد بود. لذا وقتی امام وسایل اعلام گرفتند  
که ما رسماً با آمریکا در حال جنگیم، تا وقتی کشور را  
زین نگذرانیم، هیچ طوطی نمی خواهیم مذاکره کنیم! لذا  
این برخورد با مسئله خلاف خط امام است. تصور من این  
است که جو عمومی مجلس با شروع مذاکره با آمریکا،  
مستقیم و غیر مستقیم، مخالف است.

### ما خود را با آمریکا در جنگ نمی بینیم

دکتر سخایی موافق مذاکره گفت: «این بیان که  
ما با آمریکا در حال جنگیم، هنوز پیشه نظر نمی باشد.  
اگر امام فرموده اند از نظر فکری است. هرگز هر بیان  
رسمی در مملکت نشده، زیرا اگر ما با آمریکا در حال  
جنگ باشیم، باید مقامات رسمی آن را همین کرده باشند  
و نظام آن در مملکت روشن باشند. این سائلی که با  
این سروصدا گفته می شود، هرگز چنین نظری، نظر  
مجلس نیست، و ملت چنین نظریاتی را تصمصیح قطع مجلس  
تلفی نمی کند. مسئله گروگانها را امام به مجلس محول  
کرده است. با تمام احتیاطی که برای امام داریم، خودشان  
گفته اند که آزادی بحث وجود دارد. امام چیز دیگری  
نگفته اند. کما اینقدر استاد می گوید ما هنوز خود را  
با آمریکا در جنگ نمی بینیم. ما غایبی می کنیم  
از نظر سیاسی و مشکلات خود را در نظر نمی گیریم. باید  
عرض کنم موضوع گروگانها ساده نیست، والا خود امام  
باعت تمام اشکالات امروز مملکت ما شده است و ما در  
این تصور می روئیم و باید این را حل کنیم. ما با آمریکا  
بسی سائلی داریم که باید حل شود. آمریکا اقتصاد ما  
را فلج کرده است. ما باید با آمریکا وارد مذاکره بشویم  
و مسائلمان را حل کنیم. اگر قرار باشد سه دروازه راه  
روی خود ببندیم که نمی شود. مگر به قول خودتان مگر  
هراق ریاست آمریکا نیست؟ با این مشکلات که نمیتوانیم  
زندگی کنیم.

دکتر سخایی که شدت بیجان زده شده بود، در  
اینجا فریاد زد: «دلیا ما را محکوم کرده است. ما تروی  
شدیم. بگذارید مذاکره کنیم!»

در اینجا مجلس بشدت متشنج شد و رئیس مجلس با  
اعلام اساسی قائلین جلسه، پایان جلسه را اعلام کرد.  
جلسه بعدی مجلس، که بازم اختتام به وضع گروگانها  
دارد، روز پنجشنبه آینده تشکیل خواهد شد.

مورد و به منظور تضحی انقلاب انجام دهم، پیشنهاد می  
کنم در مراحل مختلف از نمایندگان نظر خواهی شود.  
سوم در این شرایط مجلس باید تا تکلیف و استراتژی  
های آمریکا را از زیاری و بعد حرکت کند.

موجید انصاری در مقام موافقت با مذاکره گفت:  
عده ای اعتقادشان را طوری بیان می کنند که انگار بقیه  
طالب مصالحه هستند. در حالیکه بیچوجه اینطور نیست.  
من شخصاً طرفدار محاکمه بر قید و شرط گروگانها  
هستم. ولی منظور این است که کیسیون از موضع  
قدرت مذاکره کند و به آمریکا مواضع خود را بگوئیم  
و حرف انقلاب را برای دنیا توجیه کنیم. ما باید از  
نظریات دنیا مطلع باشیم.

عیدضایی به عنوان مخالف اظهار داشت: کار اول  
کیسیون رسیدگی به وضع گروگانهاست. در این  
رسیدگی هیچ نیازی به مذاکره با آمریکا نیست.

وی سپس پیشنهاد کرد که این کیسیون پس  
مطبوعات صحابه هم نکند، بلکه وضع «گروگانها» را  
بررسی کند و گزارش خود را در اختیار مجلس بگذارد.  
حجت الاسلام منتظری موافق مذاکره، در مورد  
حلت موافقت خود گفت: «انگیزه ما برای مذاکره آشنایی  
با جزئیات است، که ما می توانیم این کار را بطور غیر  
مستقیم انجام دهیم، و از طریق آنها کلیه سائلی را  
بفهمیم. ولی رو در رو با آمریکا نتستن، خود بخود بر  
تصمیم گیری ما اثر می گذارد.»

خرامی ضمن اشاره به هدف کیسیون گفت:  
داین کیسیون باید نوع برخورد با گروگانها را روشن  
و مجلس در مورد آن بحث کند. این نوع برخورد نیاز  
به کوچکترین مذاکره ندارد. وقتی نظر کیسیون مشخص  
شده، آنکه می توان در مورد مذاکره صحبت کرد. علاوه  
بر این، موضع دشمن بر ما روشن است و عمل ما هم بر  
دنیا روشن است. اگر امروز ما مذاکره را تصویب کنیم  
فردا سبیل تلگرام ریگان و کاردی و بقیه سرازیر  
خواهد شد.

علو الهیای موافق مذاکره گفت: «باید با مذاکره آن  
کاری را که مانده است انجام دهیم.»  
یکی دیگر از نمایندگان گفت: «آیا ما می توانیم  
را نمی دانیم؟ آیا ما با آمریکا در حال جنگ هستیم یا نه؟  
آیا در وزنه نابرابر از لحاظ نظامی می توانیم به شکل  
مذاکره کننده، ما همه مدارا بچرم را در اختیار داریم.  
پس از مذاکره چه می خواهیم؟ مگر این که امام می گوید  
اینها مجرمند؟ ما حق نداریم برخلاف نظر ملت عمل کنیم.  
سپس حجت الاسلام موسوی خوئینیها اظهار داشت:  
در اینجا از جمله چیزهایی که بنابود رای گیری شود این  
بود که، این کیسیون در خط امام باشد. بعد هم بعضی  
از نمایندگان گفتند رای گیری لازمیست، طبیعتاً کیسیون

بمدار انتشار این اعلامیه (چنانکه مقرر شد) متکراراً در مملکت  
کرده) دستگاه جنبش ساواک - سیا، که از سطح خطری که اتحاد  
نیروهای مبارز مسلمان و هواداران سوسیالیسم علمی برای ایجاد  
می کرد، بر اساس تجربیات طولانی امریالیسم باخبر بوده، تلاش خود  
را برای برهم زدن این اتحاد آغاز کرد. شیوه ای که ساواک انتخاب کرد،  
دروغین جلوگیری حمایت حزب توده ایران از مبارزان مسلمان و همکاری  
با آنها بود. از اینرو به تبلیغ این امر پرداخت که: «در آن موقع پس  
فرستایی گروه خود را حامی جنبش معرفی می کردیم.»

جانب اینجاست که این شیوه ساواک هینا با همین برداشت و جن  
گاه با همین کلمات و همین برچسب از طرف همه نیروهای طرفدار  
امریالیسم و نژادش با امریالیسم از ماتویست ها گرفته تا ایران  
خط برزخسکی - در «میزان» و «کیهان» دنبال می شود. متأسفانه برخی از  
نیروهای صدیق طرفدار انقلاب هم گاه در این دام می افتند.

در حالیکه در آسند سال ۵۶، برای ساواک شکر باقی نمانده بود  
که حزب توده ایران حامی جنبش است و برای خسته دار کردن مبارزانی  
بین حزب توده ایران و مسلمانان مبارز، توسط اداره ضد کویستی خود  
برنامه ریزی کرده بود، آیا صیب نیست که هنوز هم همین سیاست  
ساواک حساسته و نیداسته دنبال میشود؟ ما پاسخ دادن به این سئوال  
حیاتی را به عهده نیروهای صادق مسلمان انقلابی می گذاریم.

۲- به این جملات «مغز متفکر ساواک توجه کنید»  
«با توجه به شناختی که از این گروه داشتیم، وابستگی این گروه  
به خارج معروض بود»

از آنجا که «تورسین» ساواک متعلقه، قبل جمع داشتیم، با یک  
برده است. معلوم میشود که چگونه وابستگی حزب ما به خارج، در  
زردخانه دروغ ساواک - سیا جعل شده و چگونه زهر این برچسب  
ساواک ضایعیت خود را علیه حزب توده ایران ظاهر آردانی کرده است.

بسیار هیرت انگیز است که برای دستگاه امپریالیسم ساواک، که یکسره  
ساخته و پرداخته سازمان سیا، و موسسه بود و کمترین حرکتی از  
آمریکا و اسرائیل رهبری میشد، وابستگی حزب ما به خارج، صددرصد  
معترض بود! جلادان شاه ملعون نل وارو متزه و صلات خود را به ما  
بینه در صفحه ۸

### مغز متفکر ساواک در دادگاه انقلاب اعتراف کرد:

## شاه ملعون شدیداً فشار آورده بود که سازمان «نویده» را پیدا کنند

### تقصیه ساواک بعد از اعلام پشتیبانی حزب توده ایران در اسفند ۵۶ از مسلمانان انقلابی،

### برای برهم زدن اتحاد پیر و ان سوسیالیسم علمی با مبارزان مذهبی فاش شد

کردیم... قرار شد گزارشی از این جزوه تهیه شود و برای هوشتیاری  
علما این جزوه به قم و مشهد فرستاده شد. این جزوه به خدمت حضرت  
آیت الله شریعتی در قم و آیت الله قری شیرازی در مشهد فرستاده  
شده. (انقلاب اسلامی، ۲ مهر ۵۹)

به دو نکته مهمی که در این اعترافات وجود دارد، توجه کنید:  
۱- منظور «مغز متفکر ساواک» از جزوه «مطلبان حزب و جنبش  
مسلمانان ایران»، مقاله ضمنی است که تحت عنوان «حزب توده ایران  
و مناسبات آن با زحمتکشان و محافل ملی و دموکراتیک» منتشر شده  
در شماره دوم «بسیوی حزب»، در روز اول اسفند ۱۳۵۶ منتشر شد و  
سپس از طرف گروه های هوادار حزب توده ایران در جزوه مستقلی تکثیر  
و پخش گردید. در این مقاله که زمان انتشار آن درست در روزهای  
آغاز مبارزات خیابانی در تبریز و قم است و هنوز بر هیچکس روشن  
نیست که انقلاب ایران زیر پرچم اسلام انقلابی شکل خواهد گرفت،  
سیاست اصولی حزب توده ایران درباره مسلمانان مبارز به وضوح تمام  
اعلام شده بود.

حزب ما از دموکراسی به معنای وسیع این کلمه دفاع می کند و  
این مطلب را با صراحت کامل در برنامه خود قید کرده است. و لذا  
ما به خاطر ملاحظات و حساسیتهای ژودگند، از آزادی مذهبی از  
آزادی روحانیت از قید ستم رژیم استبدادی دفاع می کنیم. (بسیوی حزب،  
شماره ۱۰، صفحه ۳۰)

و: «ما آمادیم با برادران طیفاتی خوش، علمدار این که محتضات  
مذهبی داشته باشند، برای نوسازی بیانی جامعه و ساختن سوسیالیسم  
هنکری کنیم. (صانجا)

شبه دوم دادگاه انقلاب تهران به محاکمه یکی دیگر از سرهبره های  
اصلی ساواک ادامه میدهد. این شخص که روزنامه انقلاب اسلامی او را  
مغز متفکر ساواک متعلقه و «یکی از سردمداران ساواک متعلقه» معرفی  
کرده است، ابرج فریبی (فرزانه) نام دارد و: «مهم رئیس اداره یکم  
اداره سوم را عهدمدار و آخرین روزهای سقوط رژیم به سخر مشغول  
فعالیت بوده است» (انقلاب اسلامی، ۲ مهر ۵۹).

این سرهبره سیا ساواک خود را چنین معرفی کرده است:  
«من در بخش ۴۱۴، رئیس دایره بررسی مربوط به تشکیلات  
کمیونتها بودم.» (صانجا)

رئیس دایره بررسی مربوط به تشکیلات کمیونتها، در دادگاه،  
ضمن اینکه کوشیدیم، ما با اختصار به اینکه علیه «کمیونتها» فعالیت  
می کرده است، بنیال خویش - مانند همه ارواح خبیثه نظیر خود - از  
مجازات درخورد بگریزد، اعتراف می کردیم که از اهمیت زیادی برخوردار  
است. «مغز متفکر ساواک» اعتراف می کردیم که ساواک متعلقه قصد  
داشته است با ارسال جزوه ای که حزب توده ایران درباره اتحاد صل  
نیروهای مسلمان و پیر و ان سوسیالیسم علمی انتشار داده بود، بیرو  
روحانیون بین این دو نیرو تشکان اندازد و با دامن زدن به جو بدبینی بین  
آنها را شکر آب کند.

فریبی در دادگاه گفته است:  
«در زمان سال ۵۶ جزوه ای از طرف یکی از گروه های کمیونستی  
تحت عنوان «مطلبان حزب و جنبش مسلمانان ایران» منتشر شد و با توجه  
به شناختی که از این گروه داشتیم، وابستگی این گروه به خارج معروض  
بوده و در آن موقع با فرستایی گروه خود را حامی جنبش معرفی می

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

### جنگ ماعاد لانه...

پس از صفحہ ۱

کشور ما در خاک عراق توت  
نکرده است. بر مکن، این رژیم  
ماجراجوی صدام حسین است که  
از همان فریاد پیروزی انقلاب  
ایران مرتباً به خاک کشور ما  
جاسوس و خرابکار آدمکن می  
فرستد و گروهبانهای ضدانقلابی  
را در غوزستان و کردستان و  
پلوچستان با پول و سلاح ملیه  
نظام جوسوزی اسلامی ایران  
تیمیز می کند.

دوت ایران برای سرنگون  
کردن دولت عراق با دوت لاتی  
تانی نکرده است. بر مکن،  
این رژیم مزدور بشی عراق است  
که برای سرنگون کردن جمهوری  
اسلامی ایران با امریالیسم  
آمریکا و رژیمهای لرنجاسمی  
منطقه، ناجوانسرایانه ترین توطئه  
ها را بوجود آورده است.

کشور ما متکثر هموم به خاک  
عراق و بیابان در اتصال آن  
کشور نبوده است. بر مکن،  
اولین هموم خارنگرانه از جانب  
رژیم مزدور بشی آغاز شد و اولین  
بیماران در اتصال کشور ما توسط  
رژیم جنایتکار صدام انجام گرفته  
است. بهین دلیل نیز نیروهای  
مسلح ما خاک عراق را اشغال  
نکرده اند بلکه نیروهای تجاوز  
رژیم مزدور صدام هستند که  
از طریق پیشدستی و تهاجم  
فارتگرانه، قسمت های از نوار  
مرزی خاک کشور ما را اشغال  
کرده اند.

### مادرش را بپوش...

پس از صفحہ ۱

سویای رژیم مزدور پهلوی از  
خاک عراق که با کت رژیم  
بشی، آن کشور را به پایگاه  
خود علیه جمهوری اسلامی ایران  
تبدیل کرده اند.

۴- قطع عملیات و اطمینان  
ضمحنه علیه جمهوری اسلامی  
ایران از خاک عراق، چه از جانب  
خود رژیم بشی و چه توسط ضد  
انقلابیون فراری رژیم مزدور پهلوی  
در عراق.

باید مقتدا و حداقل چهار  
شرط مذکور در فوق از جانب  
دولت عراق اجرا گردد و قطع  
پس از اجرای این چهار شرط و  
بازگشتن اوضاع به حال قبل از  
آغاز خصومت و تجاوز رژیم  
بشی است که می توان درباره  
آتش بس سخن گفت و در مورد  
رفع اختلافات بمذاکره و گفتگو  
نست. والا تا روزیکه یلغوجوب  
از خاک مین ما زیر اشغال است  
و توطئه و تجاوز علیه مین ما  
ادامه دارد، مردم ایران هر نوع  
«آتش بس» و «بمذاکره» را مردود  
می شمارند.

جنگ از جانب رژیم مزدور  
بشی عراق یک جنگ تجاوز  
کرانه، راهزانه و در خدمت  
امریالیسم و استعمار است. ولی  
جنگ از جانب خلق ما و  
جمهوری اسلامی ایران یک  
جنگ عادلانه، رهایی بخش، ضد  
امپریالیستی و ضد استعماری  
است.

### مادرش را بپوش...

پس از صفحہ ۱

جنگ را دقیقاً رعایت نکنند  
نستوانند در صورت حمله دشمن.  
خسارات جانی و مالی را حداقل  
برسانند.

از سوی مسئولان قومیه ضد  
است که در پناهگاهها حداقل  
مایتیج باید آماده باشند. یعنی  
اگر مثلا حلات هوائی دشمن  
به اوله های آبیتر آسپرسانند،  
لااقل برای کودکان و بیماران  
تقصیه ای آب در پناهگاه موجود  
باشند، و یا اگر ساندن در  
پناهگاهها به علت ادامه موضیت  
قرمز طولانی شد و یا به ساختمان  
سکونی، به علت آسپرسیدن آن  
دسترس نبود، مقداری مواد  
خوراکی، تا رسیدن کمک موجود  
باشند. البته این بهیچوجه به معنای  
آن نیست چنانکه این روزها در  
میان برخی خانواده های مرفه  
مرسوم است. به همفازهای خوار  
باز فرزشی هموم بریم، آنها را  
از مواد خوراکی پاک کنیم و به  
خانه های خود انتقال دهیم. تأدی  
صورت بروز سانه، چند روزی  
بیش از دیگران زنده بمانیم که  
این خود دلیل کامل انحطاط  
اخلاقی و تنزل از شئون انسانی  
است. بلکه هدف است که برای  
چند روزی مواد غذایی در دسترس  
باشند.

### کشفای طولانی در ایران

فرهنگهای نواد غذایی موجود

آوردند، همین ها هستند که  
خرمینه خیزید و انبار می  
کنند، گوی سیزی ناپدیدند. این  
خریده های بیش از نیاز، اگر ادامه  
یابند، بدون تردید به زیان میشت  
عمومی و طبقات و اقشار کم درآمد  
و محروم تمام خواهد شد و راه  
جلوگیری از آن تنها و تنها اجراه  
مقررات جبر بندگی است، که باید  
از طرف مقامات مسئول هر چه  
زودتر عملی شود.

در این روزهای حساس وظیفه  
مسئان است که حداقلی اخلاق  
انقلابی و انسانی را از خود نشان  
دهند. اگر قرار شود به مردم  
کشوری گرسنگی و کمبود  
تعمیل شود، باید همه داوطلب  
تعمل آن باشند. انبارهای لریز  
از مواد خوراکی در زیر زمین  
این یا آن خانه، نه تنها برای  
صاحبان آن موجب میانه تنیست،  
بلکه تنگ است و دلیل قنات  
و انحطاط و سقوط اخلاقی، باید  
قبل از آنکه بخورد اندیشید، بفکر  
دیگران بود و این معیار اخلاقی  
را در همه شرایط و در همه احوال  
دقیقاً رعایت کرد.

### مغز متفکر ساواک...

پس از صفحہ ۲

می چسباندند. چنانکه بعداً ما به اوج گیری انقلاب و قبحانه اعلام کردند  
که امام خمینی ایرانی نیست و هنوز هم در بلندگوهای خود این بلوغ را  
تکرار می کنند.

ما بازم از سلمانان صافق انقلابی میخواهیم به این واقیعت  
بیاندیشند و دریابند که بر چه «وابستگی» حزب توده ایران ساخته  
و رداخته کدام دستگاه است.

مغز متفکر ساواک منحلّه در ادامه اشرفات خود در دادگاه انقلاب  
برده از هراس شاه سلون از حزب توده ایران بریدارد و فاش می کند که  
سرسلسله جلاان و آدمخواران چگونه به «توطئه» نشریه مستشرقین گروه  
مخفی حزب توده ایران در زمان شاه سلون، «حاصلیت عجیب» پیدا  
کرده بود و شدیداً فشار آورده بود که عوامل این نشریه را پیدا  
کنند.

در آن زمان شاه یق حاصلیت عجیبی پیدا کرده بود نسبت به  
نشریه نوید که از انتشارات حزب توده بود و شاه شدیداً کتر آورده  
بود که عوامل این نشریه را پیدا کنند. (انقلاب اسلامی - ۲ مهر ۵۹)

این «حاصلیت عجیب» شاه سلون نشان دهنده ضالیت کتره  
حزب توده ایران در سالهای پیش از انقلاب و نقش نشریه «نوید» در  
توده هاست. البته مغز متفکر ساواک اضافه میکند:

«در حالیکه خود نشریه نوید چندان موثر نبود ولی برای  
فداشته. (هانجا)

و با این ترتیب میفرماید: ۲۴ هزار تیراژ نوید را هیچ بشمار  
و صد البته از خودش نمی برد که: اگر نوید چندان موثر تر بود  
خوف شاه سلون و فشار شدید او برای پیدا کردن سازمان نوید از کجا  
باید می گرفت!

### در جنگ تجاوزی و تحمیلی رژیم جنایتکار بشی عراق علیه

ایران، کشورهای عضو جبهه پایداری متفق و پشتیبان جمهوری اسلامی ایران اند.

جنگ تجاوزی که رژیم مزدور بشی  
عراق با جمهوری اسلامی ایران تحمیل  
کرده، جنگی است که با نافع همعلق  
های عرب و همه سرورها و فدا  
و استقلال طلب منطه ما برت دارد. این  
جنگ تنها به معنای فدا میریایا لیم  
دولت جمهوری ما را شل نیست بلکه  
طبقه ای از زجر منوطه ها و طبقه های  
تجاوزی را نیز لیم میریایا لیم و  
طبقه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، با  
هدف براندازی جمهوری اسلامی  
ما است.

رژیم مزدور بشی عراق که مزاج  
این توطئه ها و نقشه های تجاوزی  
لیم آمریکا، نقش لایم دار را بر عهده  
گرفت و با تحمیل یک جنگ تجاوزی به  
«و» لیم فدا ما را علیه انقلاب و جمهوری  
اسلامی ایران دست زده است. در همین حال  
هدف مشخص موانع همه کشورها به  
ملی منطه و جبهه از همه تصفیه موانع  
کشورها و ملو جبهه ها بداری و همه سرور  
های ترقی خواه و فدا میریایا لیم و  
استقامت و همه منطه ها و ملیا و  
نظامی آمریکا لیم آمریکا در این منطه  
را دشمنی لیم.

رژیم مزدور بشی عراق که مزاج  
این توطئه ها و نقشه های تجاوزی  
لیم آمریکا، نقش لایم دار را بر عهده  
گرفت و با تحمیل یک جنگ تجاوزی به  
«و» لیم فدا ما را علیه انقلاب و جمهوری  
اسلامی ایران دست زده است. در همین حال  
هدف مشخص موانع همه کشورها به  
ملی منطه و جبهه از همه تصفیه موانع  
کشورها و ملو جبهه ها بداری و همه سرور  
های ترقی خواه و فدا میریایا لیم و  
استقامت و همه منطه ها و ملیا و  
نظامی آمریکا لیم آمریکا در این منطه  
را دشمنی لیم.

منظره خطوط اصلی واقیعت  
چنین است. پس ما با یک منمن  
تجاوز و اشغالگر و توطئه ساز  
تا روزی که آثار تجاوز و اشغال  
و توطئه باقی است، چگونه آتش  
بس کنیم و چگونه به مذاکره  
و گفتگو بپردازیم.

چنین است یکی از نکات  
مهم در ۲۴ شب چهارشنبه امام  
خمینی، رهبر انقلاب و بیانات  
جمهوری اسلامی ایران!

پس اولین شرط هرگونه  
آتش بس یا رژیم مزدور بشی  
عراق عبارت است از:

۱- بیرون رفتن گروه های  
اشغالگر عراقی از آخرین وجبه  
منطق اشغال شده خاک ایران.

۲- خاتمه دادن به مداخلات  
در داخل ایران و تحریف و توتوت  
گروه های ضد انقلابی در داخل  
ایران.

۳- رسیدن پایگاههای ایرانی

رژیم مزدور بشی عراق با این  
جنگ میخواهد از سوی مین  
آزاد ما را بار دیگر زیر سلطه  
امریالیسم خونخوار آمریکا درب  
آورد و از سوی دیگر خود را  
از بحران شدیدی که دستگیرش  
شده و روز بروز شدیدتر می  
شود نجات دهد. ولی مردم زنده  
ایران و دولت انقلابی و نیرو  
های مسلح ما، با رژیم دلیرانه و  
پایداری انقلابی خود، اولاً از  
استقلال و آزادی و سرملندی  
مین از بند رسته ما دفاع می  
کنند و لایه، به پیروختن کات  
دیگر جباران در این منطه  
استعمار زده جهان کمک می  
کنند. مواضع ما و سرشت  
جنگ ما با مواضع و سرشت  
جنگ از جانب رژیم مزدور بشی  
عراق از زمین تا آسمان فرق  
ماهری دارد. همین واقیعت است  
که ضامن اصلی پیروزی نهایی  
ما و شکست و رسوائی رژیم  
مزدور بشی عراق خواهد شد.

چنین است یکدیگر از نکات  
مهم ۲۴ شب چهارشنبه امام  
خمینی، رهبر انقلاب و بیانات  
جمهوری اسلامی ایران.

در پناهگاهها برخی وسایل  
زنجیربندی داروهای لازم برای  
رساندن کمکهای اولیه به  
جرحین باید از قبل آماده باشند  
و علاوه بر این اقدامات، لازم  
است تا یکدیگر است که باید  
خونسرد بود، بر اصحاب تسلط  
کافی داشت، سراسیمه نشد و  
روحیه خردسالان، بیماران و پیران  
را در چنین لحظاتی تقویت کرد.  
ضرورت می چون وجرای دیگر  
در شرایط کنونی، رعایت موازین  
اقتصاد زمان جنگ است. مقامات  
مسئول کشوری کرارا تاکید  
کرده اند که مواد غذایی برای  
یکسال ذخیره شده و کمبود وجود  
ندارد. این اطمینانی است در خورد  
توجه. ولی تجربه دوران پس از  
انقلاب نشان میدهد که سرمایه  
داران وابسته، بازار کالان بزرگ  
سحگران و واسطه ها، هم درین  
سود شخصی و هم در همکاری  
با دشمن، میتوانند قطعی و کمبود  
صنوعی بوجود آورند. چنانکه  
هر اکنون عمدهای دست اندر کارند.  
بدینجبت وظیفه عاجل دولت  
است که برای پیشگیری از هرگونه  
اخلال ضدانقلاب در معیشت  
عمومی، از همین حالا مقررات  
جبر بندگی را در مورد تمام کالاهای  
مورد نیاز مردم اجرا کند. جبر  
بندی مواد سوختی اقدامی بود  
سنجیده، لازم و موعود. باید این گام  
اول را با گامهای بعدی در مورد  
جبر بندگی کله اقلام مایتیج  
عمومی تکمیل کرد، تا پاره بر  
سوه استفاده سوجوانان و عوامل  
دشمن سد شود.

مسئولین کشوری هم بارها  
مردم را به رعایت صرفه جویی در  
خوراک و پوشاک دعوت کرده اند.  
وظیفه هر من دوست و هر منتر  
انقلابی است که این دعوت را  
جدی بگیرد، زیرا از هم اکنون  
باید برای مقابله با دشواریهای  
احتمالی آینده آماده بود. توده  
سحروم که هرگز امکان بریز و  
بهاش نداشت است، اکنون هم  
ماتش محسود و فقیرانه خود را  
ادامه میدهد. ولی خانواده های  
مرفه، که با پولهای بادآورده  
اقتصاد مرفی و توطئه دوران  
ظانوت خو گرفته اند، چه بسیار  
که مایل نیستند کوچکترین  
تحمیلی را به معیشت روزانه  
خود وارد کنند. همین ها هستند

مردم را به رعایت صرفه جویی در  
خوراک و پوشاک دعوت کرده اند.  
وظیفه هر من دوست و هر منتر  
انقلابی است که این دعوت را  
جدی بگیرد، زیرا از هم اکنون  
باید برای مقابله با دشواریهای  
احتمالی آینده آماده بود. توده  
سحروم که هرگز امکان بریز و  
بهاش نداشت است، اکنون هم  
ماتش محسود و فقیرانه خود را  
ادامه میدهد. ولی خانواده های  
مرفه، که با پولهای بادآورده  
اقتصاد مرفی و توطئه دوران  
ظانوت خو گرفته اند، چه بسیار  
که مایل نیستند کوچکترین  
تحمیلی را به معیشت روزانه  
خود وارد کنند. همین ها هستند

مردم را به رعایت صرفه جویی در  
خوراک و پوشاک دعوت کرده اند.  
وظیفه هر من دوست و هر منتر  
انقلابی است که این دعوت را  
جدی بگیرد، زیرا از هم اکنون  
باید برای مقابله با دشواریهای  
احتمالی آینده آماده بود. توده  
سحروم که هرگز امکان بریز و  
بهاش نداشت است، اکنون هم  
ماتش محسود و فقیرانه خود را  
ادامه میدهد. ولی خانواده های  
مرفه، که با پولهای بادآورده  
اقتصاد مرفی و توطئه دوران  
ظانوت خو گرفته اند، چه بسیار  
که مایل نیستند کوچکترین  
تحمیلی را به معیشت روزانه  
خود وارد کنند. همین ها هستند

**نقشه مردم**  
انگن مرکزی غرب توده ایران

دارقده امتز  
و مدیر مسئول:  
منوچهر بیژادی

خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸

(دلتی نامه مردم)  
هنوز در اختیار  
نامه مردم نیست

**NAMEH MARDOM**

No. 347  
2 October 1980

Price:  
West-Germany 0.80 DM  
France 2 Fr.  
Austria 8 Sch.  
England 20 P.  
Belgium 10 Fr.  
Italy 350 L.  
USA 40 Cts  
Sweden 1.50 Skr.

ما میسر حال باید پوز رژیم  
مزدور بشی عراق را بشکستیم  
به توطئه گرو تجاوزگر اسلر امیر.  
پالیسم آمریکا، بار دیگر بفرماییم  
که دوران قلدری گذشته است.  
ما باید به همه جهانیان نشان  
دهیم که هر گام خلق حق است خود  
را هرگز کند و در راه آن آماده  
ایستادیم. به سلطان بزرگ  
و به شیطانهای لرنجاسمی هیچ  
ظفر نمی تواند بکشد.

مردم را به رعایت صرفه جویی در  
خوراک و پوشاک دعوت کرده اند.  
وظیفه هر من دوست و هر منتر  
انقلابی است که این دعوت را  
جدی بگیرد، زیرا از هم اکنون  
باید برای مقابله با دشواریهای  
احتمالی آینده آماده بود. توده  
سحروم که هرگز امکان بریز و  
بهاش نداشت است، اکنون هم  
ماتش محسود و فقیرانه خود را  
ادامه میدهد. ولی خانواده های  
مرفه، که با پولهای بادآورده  
اقتصاد مرفی و توطئه دوران  
ظانوت خو گرفته اند، چه بسیار  
که مایل نیستند کوچکترین  
تحمیلی را به معیشت روزانه  
خود وارد کنند. همین ها هستند

مردم را به رعایت صرفه جویی در  
خوراک و پوشاک دعوت کرده اند.  
وظیفه هر من دوست و هر منتر  
انقلابی است که این دعوت را  
جدی بگیرد، زیرا از هم اکنون  
باید برای مقابله با دشواریهای  
احتمالی آینده آماده بود. توده  
سحروم که هرگز امکان بریز و  
بهاش نداشت است، اکنون هم  
ماتش محسود و فقیرانه خود را  
ادامه میدهد. ولی خانواده های  
مرفه، که با پولهای بادآورده  
اقتصاد مرفی و توطئه دوران  
ظانوت خو گرفته اند، چه بسیار  
که مایل نیستند کوچکترین  
تحمیلی را به معیشت روزانه  
خود وارد کنند. همین ها هستند

مردم را به رعایت صرفه جویی در  
خوراک و پوشاک دعوت کرده اند.  
وظیفه هر من دوست و هر منتر  
انقلابی است که این دعوت را  
جدی بگیرد، زیرا از هم اکنون  
باید برای مقابله با دشواریهای  
احتمالی آینده آماده بود. توده  
سحروم که هرگز امکان بریز و  
بهاش نداشت است، اکنون هم  
ماتش محسود و فقیرانه خود را  
ادامه میدهد. ولی خانواده های  
مرفه، که با پولهای بادآورده  
اقتصاد مرفی و توطئه دوران  
ظانوت خو گرفته اند، چه بسیار  
که مایل نیستند کوچکترین  
تحمیلی را به معیشت روزانه  
خود وارد کنند. همین ها هستند

مردم را به رعایت صرفه جویی در  
خوراک و پوشاک دعوت کرده اند.  
وظیفه هر من دوست و هر منتر  
انقلابی است که این دعوت را  
جدی بگیرد، زیرا از هم اکنون  
باید برای مقابله با دشواریهای  
احتمالی آینده آماده بود. توده  
سحروم که هرگز امکان بریز و  
بهاش نداشت است، اکنون هم  
ماتش محسود و فقیرانه خود را  
ادامه میدهد. ولی خانواده های  
مرفه، که با پولهای بادآورده  
اقتصاد مرفی و توطئه دوران  
ظانوت خو گرفته اند، چه بسیار  
که مایل نیستند کوچکترین  
تحمیلی را به معیشت روزانه  
خود وارد کنند. همین ها هستند